

کتابخانه
مجلس شورای
اسلامی

خطی

۱۶۹۶۰

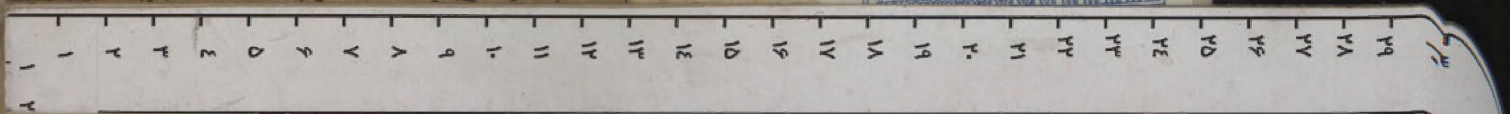
بسم الله الرحمن الرحيم

۱۰
 ۱۱
 ۱۲
 ۱۳
 ۱۴
 ۱۵
 ۱۶
 ۱۷
 ۱۸
 ۱۹
 ۲۰
 ۲۱
 ۲۲
 ۲۳
 ۲۴
 ۲۵
 ۲۶
 ۲۷
 ۲۸
 ۲۹
 ۳۰
 ۳۱
 ۳۲
 ۳۳
 ۳۴
 ۳۵
 ۳۶
 ۳۷
 ۳۸
 ۳۹
 ۴۰
 ۴۱
 ۴۲
 ۴۳
 ۴۴
 ۴۵
 ۴۶
 ۴۷
 ۴۸
 ۴۹
 ۵۰
 ۵۱
 ۵۲
 ۵۳
 ۵۴
 ۵۵
 ۵۶
 ۵۷
 ۵۸
 ۵۹
 ۶۰
 ۶۱
 ۶۲
 ۶۳
 ۶۴
 ۶۵
 ۶۶
 ۶۷
 ۶۸
 ۶۹
 ۷۰
 ۷۱
 ۷۲
 ۷۳
 ۷۴
 ۷۵
 ۷۶
 ۷۷
 ۷۸
 ۷۹
 ۸۰
 ۸۱
 ۸۲
 ۸۳
 ۸۴
 ۸۵
 ۸۶
 ۸۷
 ۸۸
 ۸۹
 ۹۰
 ۹۱
 ۹۲
 ۹۳
 ۹۴
 ۹۵
 ۹۶
 ۹۷
 ۹۸
 ۹۹
 ۱۰۰

کتابخانه مجلس شورای اسلامی
کتاب ایمان عطا علی ربیع سلمی
مؤلف
مترجم
شماره قفسه ۱۶۹۶۰
۲۰۸۱۵
مکتب اربعه ائمه
مشارب کتاب

२०१८

وكانت هذه الكتب كلها في اللغة العربية وكتبها في سنة ١٠٧٠

[illegible]

۱۰۰

१०
 १८
 १९
 २०
 २१
 २२
 २३
 २४
 २५
 २६
 २७
 २८
 २९
 ३०
 ३१
 ३२
 ३३
 ३४
 ३५
 ३६
 ३७
 ३८
 ३९
 ४०
 ४१
 ४२
 ४३
 ४४
 ४५
 ४६
 ४७
 ४८
 ४९
 ५०
 ५१
 ५२
 ५३
 ५४
 ५५
 ५६
 ५७
 ५८
 ५९
 ६०
 ६१
 ६२
 ६३
 ६४
 ६५
 ६६
 ६७
 ६८
 ६९
 ७०
 ७१
 ७२
 ७३
 ७४
 ७५
 ७६
 ७७
 ७८
 ७९
 ८०
 ८१
 ८२
 ८३
 ८४
 ८५
 ८६
 ८७
 ८८
 ८९
 ९०
 ९१
 ९२
 ९३
 ९४
 ९५
 ९६
 ९७
 ९८
 ९९
 १००

Handwritten text in Arabic script, likely a continuation of the manuscript. The text is written on a single line with a horizontal ruling line above it. The script is cursive and includes some diacritical marks.

۱۶۹۶
 ۲۰۸۲۵
 از کفنه مصطفی خلافت از کفنه
 کوفه خلیفه بنی بوکر است
 ان نیز خد است این نولم سکینه
 خطی خلیف بنی بوکر است
 از کفنه مصطفی خلافت از کفنه
 کوفه خلیفه بنی بوکر است
 ان نیز خد است این نولم سکینه
 خطی خلیف بنی بوکر است

و در عینست بگویند که کسی را میگویند که کردان و نکران را در

روایتی که در پیش حضرت امام جعفر صادق علیه السلام از
زندیقان حاضر بودند آنحضرت پرسید که می تواند بود که کشتی
به یابی کشتی بان در است برود و زندیقان همه گفتند که ای
مخال عقل است نمی تواند بود که کشتی در دریای کشتی بان در است
برود و پس حضرت امام فرمودند که سبحان الله هرگاه کشتی کشتی
بان در دریای در است نتواند رفت پس چون در عقل بود است که
که در پیش آسمان دست ارکان نظام اطلاق بی مدبر و حافظ
بوده باشد زندیقان اینکلام را چون از آنحضرت شنیدند
تصدیق نموده فی الحال مسلمان شدند
که بروردگار شریک ندارد و هست که دلیل برین آیات
قرآنیست و قل هو الله احد و هو الهیت که در اثبات یگانگی
بروردگار زایل نموده و از جمله آیات این آیه است که الله لا اله الا هو

که کسی ندانست که جمیع نیت و احتیاج بخیر ندارد پس باید است
و اعتقاد نمود که الم و لذت عارض ذات مقدس نشود و زیرا که
لذت بغیر است که بسبب حصول هر یک نفس بان احتیاج دارد
و اصل میشود و الم بغیر است که بسبب نیت هر یک نفس بان
احتیاج دارد و حاصل شود و چون احتیاج در ذات مقدس
محال است پس الم و لذت بر روی محال است اگر پرسند که
عدل نیست بگو که عدل عطف و کون بان است که حق تعالی
به دنیا خوش و قیامت عطف کند اگر پرسند که دلیل برین
بگو که قیامت انیم که نمیکند کسی که آیه و ندان هر اگر کسی اند
قتیح را که قیامت و احتیاج بان ندانسته به هر کران
قتیح را نخواهد کرد و ما بدلیل دانسته که حق تعالی همه
دانا است و هیچ چیز محتاج نیت پس از قیامت نخواهد کرد
و بعد از وی هرگز سر نخواهد زد کرد از خدا تمام آسمان
ناخواش نکند که کسی گمان باشد چه شک میکند هر کس

آن کس که در محتاج و ز نادان باشد
 که بنویسد چیت بگو که نوشت اعتقاد کردنت باینکه
 خدا را پیغمبر آن باشد که ایشان نادان و راه نایان
 خلقند و خاتم و افضل پیغمبر آن محمد بن عبد الله بن عبد
 المطلب و خداوند است حق تعالی در توره و تخیل
 که بر موی و عیسی نازل کرد اندر مردان آن حضرت
 داده احمد که ز بهر او جهان شد موجود هم اول
 انبیا و هم خاتم بود موجود شد از بهر وجودش آدم
 هر چند که آمد از اولی آن بوجود که دلیل برستی
 پیغمبر آن چیت بگو که دلیل برستی پیغمبر آن معجزات
 حیرت و معجزات است که غیر خدا کسی قدرت ندارد باشد مثل
 مرده زنده کردن و کور را بینا ساختن و امثال آن
 پس هر که در حق پیغمبر کند و خدا تعالی دعای او را
 مستجاب نموده معجزه بر دست وی ظاهر سازد و بیایم

که او در دعوی خود صادق است چو اگر کاذب باشد
 خدا تعالی و انانی عالمی دعای او را مستجاب نخواهد
 ساخت و معجزه در دست او ظاهر نخواهد نمود زیرا
 که معجزه در دست کاذب ظاهر ساختن و تصدیق
 کاذب نمودن قبیح است و ما بدلیل آنستیم که حق تعالی
 عادل است و قبیح از وی سر نمی زند و معجزات پیغمبر را
 بسیار است و علمای شیعه و سنی و معتزله و مفسر کرده
 از امت محمد ص نقل معجزات آن حضرت کرده اند
 و ظاهر آنکه هر یک از معجزات آن حضرت علماء و کتابها
 خود ضبط نموده اند و این معجزات غیر آن معجزات است
 که از امامان و جانشینان آن حضرت سر زده و از جملة
 معجزات آن حضرت که تا قیام قیامت خواهد بود و قرآنت
 که کلمات و عبارات آن بر هر چه ترقیب یافته که
 نیست و فصاحت و حسن و استند که میسور و مثل سورانی
 قرآن بیایند نتوانند و عاجز شوند



بدانیم که قصاص عرب بهر آنگونه مثل کسور قرآن عاجز
 میشوند بگو که اگر قادر میشدند که مثل سوره قرآن بسازند
 میساختند و آن حضرت الزام میدادند و هیچ حاجتی
 نبود که شکر کشیدند بر بنیاد جان و مال خود را در معرض
 و آوردند و در نظر آن حضرت غیر آن حضرت احتیاج بجزه نداشت
 بلکه هر که نظر بر این آیهین آن حضرت کند و انواع طاعات و عبادات
 شب و روز مانند بده نماید و بر احکام آن رسالت از جهل
 و غفلت و عوام و محال نگردد و صباح و مطهر شود و باین میکند
 که او بفرقی است و این اودین خدمت ختم رسل که این بزرگوار
 است بهر کسی که در او شک و تردید و کفر است باید و دل هرگز
 بدین نگیرد و اندر یقین که او رسول است خدمت رسل آن خود را
 بکرم جرات و شجاعت و موسای کلیم باید و دل بر طرف نمیکند
 و روش بر او برتران در بنیم و باید که احقا و نمود که پیغمبر اسلام
 و باقی بجز این معصومند و آنگونه بکنایه صغیر و کبیره شده اند

تفسیر

که دلیل بر این چیست بگو که دلیل بر این است
 حق تعالی عقلهای پیغمبر از کمال کرده و دانسته و و این را نشان
 بجهت طاعت خود مشغول ساخته و نیاز او در نظر محبت
 ایشان بقدردانید و شکر است که صاحب الخصال
 مرتب کند و معصیت نشود و دلیل دیگر آنکه اگر از پیغمبر
 کند و سرزند باعث کرامتی امتنان میشود و قیاس است
 که حق تعالی کسی را بر پیغمبری فرستد و باعث کرامت
 شود و جنبایه رسول خدا از کناه و معصیت باید که بکار و معصوم
 بود و همچنین باید که از غلط و فراموش معصوم شد زیرا که
 که غلط و فراموش اگر بر او بر او با بر غلط از آن آید که علم از قوش
 حاصل نشود و محال است که قادر بر سوال کسی را بر سالت فرستد
 که از قوش علم بهم نرسد و با خیال مردمان را از فرمایند که بعلم
 عمل نمایند و از ظن اجتناب کنند که امامت
 بگو که امامت اعتقاد و دولت باینکه و از ده امام ائمه ائمه

ایشان امام المستقیم امیر المومنین علی ابن ابی طالب است
و آنرا ایشان حضرت مهد علی السلام میگویند و میگویند
ایشان از اهل جنتند از بعد بنی نوح خورشید غلام
میدان که خوانده امامت امام او هر زمان فروز و شکست
کرد و بدو از ده هشت و در تمام که دلیل بر امامت است
بلکه که دلیل بر این بسیار است و فقیر در کتاب اربعین که دلیل بر
ایم است و غیره که نموده ام و در سال تحفه عباسی و در سال جامع بیفوی
تیر لایق تعدیه مذکور ساخته ام و چون درین رساله مطلبی
راست تر دلیل است و در تمام که دلیل احوال آنکه شد و اثبات
همیشه در همه جا بسیار بوده اند و همگی نقل کرده اند که حضرت
پناه ص حضرت امیر المومنین را صد و سی و جان شریف
و همچنین تا حضرت صاحب الزمان را که از ائمه دیگر است
و جانشین خود که در اندیشه نیست و نقل مشهور است که اگر آن

که مظهر

که مظهر

عالم

عالم بر آید و اند و منتشرند و دانستیم که دوازده امام
بجفتند اگر چه پسند که سستیان نیز در عالم بسیارند
و در هر زمان میگویند که هر یک از ابوبکر و عمر و عثمان
بلکه که سستیان اگر چه در هر زمان میگویند که این جماعت
امامند و لیکن نقل میکنند حضرت رسول الله ص ایشان را
وصی و جانشین خود ساخت که اگر سستیان بود دلیل
انجامت را امام میدانند و گویند که ایشان میگویند که حضرت
رسول ص بی یقین جانشین را در دنیا و در وقت و غیره
کار دنیا و دین بی وجود امام مقتطم نمیشود و ابوبکر و عمر
و جماعتی از جاهلان صحابه حضرت رسالت پناه را غسل
نداده و دفن نکرده و در حقیقه بنی ساعده چغیت نمودند
ولی صلی علی ابن ابی طالب که باب مدینه و علم است
و علمای صحابه مثل سلمان و ابوذر و عمار و غیره هم
در تعیین امام مشرک و در نزاع و جدال نمودند تا آنکه
عاقبت ابوبکر و عمر از راه مکر با انصار غالب شدند و عمر دست

ابو بکر را گرفته با وی بیعت نمود و چند جا باین مکر و بیعت نمود
 با وی نمودند بنا برین ابو بکر امام شد و عمر و عثمان ابو بکر است
 و ابوبکر را و امام ساختند و عثمان را ابو بکر بیعت نمود
 جماعتی با وی بیعت کردند و بیعت امام شدند است
 دلیل عده سنیان بر امامت عمر یا عمر را و عمر را که است
 عقلی و فنی دارد و منقول قول سنیان باطل است چنانچه
 کسی بخیر خدا از دنیا بیرون رود و از بر امامت امامی
 و راه فانی تعیین نماید تا آنکه عمر یا عمر را و ابو بکر امام
 کردند اگر بر سر امامت بماند از آن عشره که عمر را
 ایشان را و عمر امامت کردند و عمر را است ظاهر باطل است
 و فنی نیست که عمر را و عمر امامت نماید و عمر را است
 امام خواهد بود و عمر را و عمر را است و عمر را است
 ایشان در کنایه های شیعیه و سنی که عمر را و عمر را است
 بسیار در بیان حجرات است از تفصیل نموده
 و این رساله پنج سوره ذکر آن ندارد و دیگر آنکه امام
 می باشد

سنیان
 شیعیان
 و غیره

سنیان معصوم باشند همان دلیل که مذکور شد و غیر آن باید
 که معصوم باشند و جماعتی بر غیر و از ده امام و امامت کردند
 معصوم بودند پس باید که ایشان امام نباشند و از ده امام
 امام کن باشند اگر کسی که چون بدانیم که ابو بکر و عمر و عثمان و غیر ایشان
 از اهلان مخالف معصوم نبوده اند و عمر را امام است و عمر را
 سنی و غیر سنی اتفاق کرده اند و گفته اند که ایشان معصوم
 نبوده اند و عمر را معصوم نباشد و حال آنکه هر کدام سالهاست
 پیوسته کرده اند و بشری بر خدا و است نموده اند و در حقیقت
 و عمر را خدا و رسول شرم نموده و فرمودند و در فنی که
 حضرت رسول الله ص از دنیا رحلت میکرد و میگفتند که عمر را
 و عمر را نام نباشد و عمر را شستی کرده نسبت به میان حضرت
 رسالت رسالت و بعد از وفات حضرت رسول ص که امام
 بر عمر را کردند اگر کسی که عمر را و عمر را است و عمر را است
 چگونه درین تراجم نیست و شکی نیست که در آن برای خود
 ذکر این کرده اند اگر کسی که عمر را است و عمر را است

سنیان

خواهد بود و بگویند بخار و سحران خبر داد که در روز قیامت
اعضای بنده بخلق در آیند و بر کفایش نشانی گوای و چند
که صراط صیبت بگو که از انار اهل البیت ظاهر
میل بود که صراط اهل عصمت و همه کسی را از ان
گذشت و حق تعالی در فرمان خبر داده و هیچ کسی
نیست که گذارش بچشم واقع نشود و فرموده که ای
مؤمنان الاوار و دوطع با کسان علی رنگ حق متصفیاد
اگر از میزان بر سنجید بگو که میزان ترا زوینست
که بدانی نامهای اعمال را وزن نمایند و حق تعالی
در سوره قارعه از آن خبر داده و فرموده که فلان نعمت
مردانند و خونی عذبه را خنیه و امامی حضرت محمد است
فایده بود و اگر از صحنی بر سنجید که هر روز که در
روز قیامت حوض ای نبی است عظیم خلق میباشد
سحر سوال الله هم و برادر بجان برادر بکسر
مهر نفس علی السلام و بازده سحر سحر

الحق

الحق فی قیامت که هر که از انوار الهیه در شرف کمال
و همه و میر سب که دانند که از شرف صفت بر سنجید
که از وی حضرت رحمت پناه هم و اله و الهی و الهی
هر که شد از انوار سب که از انوار کمالی است
هم شرف صفت بکنند و از حضرت امام محمد صلی
ع و روایت منزه است که شایسته و قدس منزه است
الحق علی و الله و الله فی القدر الشافعی هر که فکر کرد
و از انوار شرف و حقان حضرت رسول الله صلی
ع و سوال قبول شرف است اگر از جمله است که
بگو که از انوار شرف است که هر که از انوار شرف است
و از انوار شرفی مستفاد می شود و به انوار شرف است
که قادر بقیون از برای اطهار کرم و جمیع انوار
مرکب و در حق و حق و انوار شرف است و هر که از انوار
بی انوار شرفی شود و هر که از انوار شرفی شود
شرف را در قرآن بسیار ذکر کرده و تو را بخند

و هر که

۱۷

نشانست و مولا نشین کرد و ملاطفت و مودت و این را
چون فرستاد و این را که از زبان ایشان می شنید بر سر خوشی
فرستاد و در دایت می کرد که بهر چه در سال آن فرستاده اند
تجارت کند و هزار سال آنست و شکفته اند که بسیار است و حال
آنست که آن بسیار و تیره است و در بخیر می گویند و بر آن
چندین سال سابقه است لکن لکن اعتقاد که است
و اگر قضا از آن را بخیر یا بر کوه های دنیا گذارند و دنیا را
کند و در دستان آن قوم و قریه است اگر بوی
از آن تمام ال دنیا رسد یکی از بوی هوا که شود
و خوشتر از آنکه تمام حقیقت تمام مردم است
ای چشم اندک الی هم در شهرها و مکان و در کان از آن
بعد از آنکه بهر چه می شنیدند از ایشان می شنیدند
و در تخفیف در عذاب نمیداد یکی که می شنیدند و می شنیدند
و بلکه بسیار در دلی و پیشانی قوم می شنیدند و عیب
نشان میداد و بگوید که از ایشان شکسته می شنیدند و می شنیدند

و دیگر

عذاب بر ایشان رحم نمیکند و اگر دعا کنند مستجاب
نمیشود و اگر حاجتی طلبند برآورده نمیشود و این مختصر از
احوال و تاریخ اموال با الله عز و الا و سال الحزن
بود که چنانچه بعد از معرفت ناز افضل از همه طاعت است
بنا بر این این رساله را در آن مختصر در کیفیت ناز و مودت
و شرایط آن بر وجه احتیاط مینویسم بر آن طهارت
مشرط ناز است فی طهارت ناز و هیچ نیست و طهارت
اسم و صفت و فعل و غیره است اما در صفت و وقت در جواب است
و احتیاط آنست که قصدش از کردن و صفت و فعل
و مباح بودن ناز و اطاعت امر خدا باشد و باید که متصل
بر وقت و در هر یک و در شستن و در آن شستن و موی
در دست یا پایش ناز و این آنست ایام و آنست
میانین بر و بگرد و احتیاط آنست که اگر بر سر شستن
موی بر او برود و دست را پایش گشت و بشوید یا پایش
و قیام بعد از آن احتیاط آنست که از قیام ناز

میدانید که اگر برستم محض نباشند و از دست و پشم
دوی حیوانی که گوشت آنرا بخورند باشد مگر فحاش
و نجس و بعد از آنست که در پوست خود سجده
نماید و از موضع نشوید پس چون باین پاکت و خشت بکن
منتهی قیل شود باید که پیش از نماز میحده فصل اذان
و بعد از فصل نماز را بجای آورد و شور میان علما
آنست که اذان و اقامت هر دو سکنت از واجبات
آنست که اذان و اقامت را در هیچ نماز ترک ننمایند
مگر آنکه در نماز را در کوفت بجا آورند و در این صورت
یک اذان و دو اقامت آنجا میتوان نمود و اولی
آنست که در کیفیت بطل صورت نماز حضرت امام
صادق علیه السلام واقع شود و بدانکه در خبر صحیح آمده که حماد
بن عیسی گفت که حضرت امام جعفر صادق علیه السلام روزی گفت
که ای حماد میدانی نماز کردن را گفتیم یا سید من
حفظ کرده ایم نه ای را که هر روز نماز نوشته است پس

فرمود که هر روزی بی بر و کلاه و کلاه و کلاه
نهدم و خرقه در نماز کردم و در کلاه و کلاه و کلاه
عاشقانه ای نماز کردم و در هیچ است که هر دو سکنت از واجبات
نماید و از موضع نشوید پس چون باین پاکت و خشت بکن
منتهی قیل شود باید که پیش از نماز میحده فصل اذان
و بعد از فصل نماز را بجای آورد و شور میان علما
آنست که اذان و اقامت هر دو سکنت از واجبات
آنست که اذان و اقامت را در هیچ نماز ترک ننمایند
مگر آنکه در نماز را در کوفت بجا آورند و در این صورت
یک اذان و دو اقامت آنجا میتوان نمود و اولی
آنست که در کیفیت بطل صورت نماز حضرت امام
صادق علیه السلام واقع شود و بدانکه در خبر صحیح آمده که حماد
بن عیسی گفت که حضرت امام جعفر صادق علیه السلام روزی گفت
که ای حماد میدانی نماز کردن را گفتیم یا سید من
حفظ کرده ایم نه ای را که هر روز نماز نوشته است پس

خود حرکت نمیکرد و در آن خود را کسید و چنانچه ابراهیم گفت
بعد از آن سه بار بر تن گفت سبحان و بی الطاف
و بعد از آن دست و پا راست نمیداد و دست راست
همچو طعن چرخ و بعد از آن الله اکبر گفت و دست چپ را
بروایت تا بر روی خود بعد از آن سجده رفت و دستها
خود را بر زمین گذاشت پس از آنکه از آنجا بر زمین آمد
سجده کرد و سه بار سبحان را بی الاصل و بحدی گفت و چنان
گفت که او سجده کرد که هیچ عضوی از بدنش را بر سجده نکرد
و سجده بر پشت استخوان کرد و چنان گفت که
و در آن وقت که بر کمر او ایستاد و چون بر سجده
راست کرد گفت سبحان الله اکبر و چون بر جانب راست
و بر جانب چپ را راست را بر کمر ایستاد گفت
سبحان الله و بی الطاف و بعد از آن
گفت و سجده دوم رفت و هیچ عضوی از بدنش را
بر سجده نداشت پس او گفت که در این ایستاد که او گفت

با حمار و چینی نازکی و هیچ طرفی از تنش نمیداد و بر دستها
و انگشتان خود بازی مکن و آب دهن نمیداد و از جانب
راست و از جانب چپ و در برابر روی و در آنکه اگر
حضرت امام عم بجای او روزه بعضی چیز و بعضی نیست
اما استقبال قبله و راست ایستادن و دست انداختن
و اجابت و نماندن بر ران گذاشتن و انگشتان را بهم
ضمیم نمودن سنت است و همچنین قدمها را از هم جدا کردن
بقدر را انگشت بر انگشت از آنجا که قبله نمودن سنت است
و همچنین خشوع و خشک شدن چنانچه بنده در این روش
جلیل معینا بر سنت اما الله اکبر و اجابت و بر کمر گذاشتن
و سهواً از پا برآوردن و آفتابیت و حضرت امام بر زبان
جاری است و خنده زبانی نیست بلکه قلیبت
که بر لب افتد و میگوید و اما بنوا ندان الله با جماع علماء فرست
و اگر کسی آنرا نهد از آنکه ناید البته تا از پیش پا ملل است و همچنین
اگر کسی آنرا غلط بخواند تا از پیش پا ملل است و اگر کسی

برگردد و بگوید که گفت و اما بر من اگر کعبه برود و او در آن
حرف از خارج و اجابت و اگر معنی وقت نکردن است
در موضع که وقت باید که دست است و این سوره
فی الله احد یا غیر الله در میان علمای خود نیست که اینست
یا واجب و احتیاط است که ترک نماید و در وقت
عند خود اندکی واجب است در نماز و در وقت
اول نماز و حقیقی و در بیانی اینست باید خواند که
الحمد لله رب العالمین که احتیاط است که در وقت اول نماز
و بعد از آنکه بنویسد و این است و این بعد از آنکه بنویسد
بسم الله الرحمن الرحیم که اینست که ترک نشود و کفایت است
بسم الله الرحمن الرحیم که اینست که ترک نشود و کفایت است
بعضی از او واجب است که اینست که ترک نشود و کفایت است
واقع شده احتیاط است که اینست که ترک نشود و کفایت است
بردارد و این را بر او واجب است که اینست که ترک نشود و کفایت است
دست برداشتن و واجب است که اینست که ترک نشود و کفایت است

در تکبیرات دست بر میداشته اند اما رکوع فرض است و رکوع
نماز است و هر که از آن جدا یا سهواً ترک نماید یا زیاد نماید
نماز منقضی باطلست و مشهور در میان علمای اینست که رکوع
کلی شدن است و احتیاط است که دست بر آن نهد و آنرا کفایت
از آن نبرد و در وقت نماز اگر کسی در نماز حقیقی و در آنجا
برگردد و این را ترک کند که اینست است و آنجا که اینست
در آنجا که رکوع در میان علمای مشهور نیست بلکه مشهور نیست
که اینست است در حالت رکوع نظر در میان دو قدم نمودن
و در حال ایستادن و در وقت رکوع نمودن و در حالت نشستن نظر
در آنجا که اینست و در حال سجود و نظر بر پشت و باغ نمودن پس
میشود که در کسی عمل نمیشود نماید و در حال رکوع نظر میان
دو قدم که در پیش و در پشت نماز و در حال رکوع چشم
بر زمین کند و در آنجا که اینست و در حال رکوع و در حال
و مشهور است که اینست و در حال رکوع و در حال رکوع
که اینست و در حال رکوع و در حال رکوع و در حال رکوع

[illegible]

29

و اما بجهت در انکساره کردن اعضا از ارازم جلد اسحق
سنت است مشهور در میان علمای است که بجهت
عفو کردن بجهت مجده بر منی نیز واجب دانسته اند
بسی از اعتیاد انکساره کردن که در کمال خود و در اول بجهت در انکساره
و راست شدن بجهت و اما بجهت گرفتن و با بجهت نشستن
و با بجهت راست و با بجهت پای چپ که از نشستن سنت است
و بجهت نشستن بر روی اوتوب از بجهت نشستن بر روی چپ
سنت است و در آنکه نشستن که در وقت هر بجهت دست راست
ساعتن تا بر ابرو احتیاط است و در بجهت نشستن
توضیح بجهت و سلام واقع نشستن با بجهت که بدو که نشستن
بجامع علمای و احکام است و در و علمای و بجهت و سلام
سلام خلاف نموده اند یعنی اندا واجب نیست
و بعضی گفته اند احتیاط است که در سلام بخانه
اولی آنست که است سلام علیا و علی حیا و الله العالیین
و بجهت سلام علیک و جمله آنکه و بجهت مقدم دارند احتیاط

Handwritten text in Arabic script, likely a signature or name, partially obscured by a finger.

آنست که پس از گفتن نماز و اگر امام بجز در سلام و دو رکعت
ماند و بقیه نماز را نکرده باشد و درین سلام قصد امام
و بقیه نماز را نکرده و اگر متنبه نماز کند قصد ملائک و انبیاء
و پس میتوان نمود و از این حدیث حکم بر کفایت اول نماز
نکرده کفایت و چهار رکعتی و آنست که اگر جمیع احکام بر کفایت
و دو رکعت آخر و آنست که در دو رکعت آخر نماز
سوره بنماز خواند و یا هر یک از سوره بنماز خواند و متنبه
و اینست که یکبار سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر
که حدیثی است اما حدیثی است که در کتب معتبره
که در کتاب جماعت و در حدیثی است که در کتاب جماعت
دارد و در تفاسیر میانی نماز متنبه و جماعت هر چه در حدیث
بگوید از حدیث قدسین باب سجده است و ما باندکی از آن
التحقیق می کنیم این باب در حدیثی است که در کتاب فقهیه
حدیثی نقل نموده که در حدیثی است که در کتاب فقهیه
روایت بطلب جماعت او را خواهد بود و هر کس که در حدیث

نماز

محسنه و بلند کرده شود و از هر دو بیفتاد و هزار و چوبیست با این حال
که در حدیثی است که در حدیثی است که در حدیثی است که در حدیثی است
هزار و فرشته را که در حدیثی است که در حدیثی است که در حدیثی است
و پیش از هر نمازی در نهانی قبر و از برای وی استغفار کنند
تا بر وی که از قبر برخیزد و در روز قیامت است و از این باب
در کتاب امامی حدیثی است که در حدیثی است که در حدیثی است
اینست که کفایتی است که در حدیثی است که در حدیثی است
ملائک است و هر کس که در حدیثی است که در حدیثی است که در حدیثی است
و هر کس که در حدیثی است که در حدیثی است که در حدیثی است
دوست شریک است از چهل سال عبادت و هیچ روزی نیست
که بر او بنماز عبادت نکند که الله تعالی تکلیف دهد و از حدیثی است
در روز قیامت را بعد از آن که در حدیثی است که در حدیثی است
و از این حدیثی است که در حدیثی است که در حدیثی است که در حدیثی است
الله تعالی دوست شریک است از عبادت و قصد و نیت سال
در حدیثی است که در حدیثی است که در حدیثی است که در حدیثی است

نماز

ایمان را ناز را آنها بگذارد و از زبان کمال است خصوصاً
جماعتی که ناز را در دست گرفته باشند و شکر خدا را بگذرانند
باشند که عادل که ناز را جماعت با وی بود اگر نیست بگو
که از احادیث اهل بیت علیهم السلام چنین میگوید میگوید که ناز
مرد است که صاحب ایمان است و میباید در هر جمعی که باشد
و در میان مردم که آن کلمات را بگوید که در قرآن بدان و عدد
با شش چشم شده و نور رسیده و ناز را در وقت بجا آید
موجود و این است و دانسته باشد که از اهل بیت علیهم السلام
و از سید کبری و سید عالم از وی که در حق تعالی داخل است
در کار که اگر کسی داخل برساند از وی که در حق تعالی داخل است
و ستر صورت و بپوشد و از او بپوشد از حق تعالی و در آن
ناز را بپوشد و بپوشد اگر داخل برساند خدا را بپوشد
ناز را بپوشد و بپوشد و بپوشد و بپوشد و بپوشد و بپوشد
از وی که ناز را بپوشد و بپوشد و بپوشد و بپوشد و بپوشد
که جابل مردان و عدد و بپوشد اگر کسی بپوشد و بپوشد و بپوشد

ایمان

ایمان را ناز را آنها بگذارد و از زبان کمال است خصوصاً
جماعتی که ناز را در دست گرفته باشند و شکر خدا را بگذرانند
باشند که عادل که ناز را جماعت با وی بود اگر نیست بگو
که از احادیث اهل بیت علیهم السلام چنین میگوید میگوید که ناز
مرد است که صاحب ایمان است و میباید در هر جمعی که باشد
و در میان مردم که آن کلمات را بگوید که در قرآن بدان و عدد
با شش چشم شده و نور رسیده و ناز را در وقت بجا آید
موجود و این است و دانسته باشد که از اهل بیت علیهم السلام
و از سید کبری و سید عالم از وی که در حق تعالی داخل است
در کار که اگر کسی داخل برساند از وی که در حق تعالی داخل است
و ستر صورت و بپوشد و از او بپوشد از حق تعالی و در آن
ناز را بپوشد و بپوشد اگر داخل برساند خدا را بپوشد
ناز را بپوشد و بپوشد و بپوشد و بپوشد و بپوشد و بپوشد
از وی که ناز را بپوشد و بپوشد و بپوشد و بپوشد و بپوشد
که جابل مردان و عدد و بپوشد اگر کسی بپوشد و بپوشد و بپوشد

و در وقت اول شام و خفتن قراوت بلند باید خواند و در وقت
آنکه باید خواند و از روی نادانی جانی که بلند باید خواند گفته
و جانی که است باید خواند بلند خواند نماز پیش باطل نخواهد بود
و همچنین در یک موضع دیگر جابل معذور است و انقضای تمام کردن
نماز است و در محلی که قصر باید کرد پس اگر مسافر است باید
که در سفر قصر و واجب است و نماز را از روی نادانی
تمام کند نماز پیش در است است از جابل و در حکام نماز و آن دو
صورت معذوریت پس اگر کسی که نماز را از روی نادانی واجب نماز را
از روی نادانی ترک نماید نمازش باطل است و اگر کسی از
روی سهو غفلت یا غلبه شیطانی یا مثل طهارت و وقت
و قبله نمازش باطل است و همچنین اگر غلط باشد بر کسی نماز
مثل نیت و تکبیر و رکوع و سجود و تکلیفی آن نماید نمازش
باطل است چرا که واجبات نماز که از روی سهو یا غفلت
ترک شود و بر سه نوع است اول آنست که تکلیفی نماز را مثل
فراغت کردن قراوت تا آنکه بر رکوع رود و ذکر

رکوع

رکوع و طاعت دیگر که رکوع تا آنکه بر سر او رکوع و از رکوع و از رکوع است
شأن و طاعت بعد از راست شدن تا آنکه بسجده رود و ذکر
در سجده تا آنکه سر او بسجود بر آید و در سجده بر داشتن
و طاعت در سجود بعد از بر داشتن تا آنکه بسجده و قیام رود
و اگر در سجده و قیام بسجده بر وقت عفو و طاعت در سجده و قیام
تا آنکه بر سر او رود و قیام تا آنکه طاعتی و در رکوع سجده سهو مثل فراموشی
اگر در نماز در صورتی که بیاد آید بعد از سجده پیش از رکوع
و فراموشی هر دو رکوع در صورتی که بیاد آید پیش از رکوع و در
فراموشی که در یک سجده یا دو سجده یا در سجده و صورتی
که بیاد آید پیش از رکوع و خلاف کرده اند در این دو صورت
که سجده واجب است یا نه و اخصیاط آنست که اگر سجده سهو
بجای آورد و اگر فراموشی کرده باشد در طهارت بر محرم و اهل
مهر با بعد از نماز آنرا بجا آورد و بسیم آنست که طاعتی
دارد یا سجده سهو و آن ترک یک سجده و طاعت و ترک سجده سهو
که بجا آمدن هر یک تا آنکه بر رکوع رود که در این دو صورت بعد از

سلام کرده و شهادت اقصای نماید بوجهی که هر دو واجب
واجبات نماز خواندن و غیره را در یک وقت و با یک
کردار و یا در یک وقت و با دو واجب و دیگر گرفته اند و این
مردود و اگر ضایع شود واجب بواجب دیگر گرفته اند و در
اعتقاد باینکه در هر یک از این دو وقت شک کند بعد از تکبیر اول
بعد از آنکه قرائت نموده و پیش از آنکه قرائت بعد از آن
که تکبیر دوم گرفته باشد یا آنکه شک نماید در سجده یا تشهد بعد از آنکه
سجده گرفته باشد یا آنکه شک نماید در سجده یا تشهد بعد از آنکه برخواست
باشد یا در سجده یا در تشهد یا در قرائت شک کند و اگر در آن
شک نمود و یا یکی از آن سه آورده نمازش صحیح است و اگر ضایع
شک نماید که سجده بعد از تشهد یا در تشهد یا در سجده یا در قرائت
خلاف کرده اند بعضی گفته اند که سجده واجب است و بعضی
گفته اند که واجب نیست و ظاهر اینست که واجب نیست و اگر
بسی از مردم فراموشی بکنند که یا زیاد کرده یا دو سجده
نمازش باطل است و همچنین اگر از دو سجده بکنند یا زیاد

بر نماز خود میفرماید نمازش باطل است و اگر کسی کعبه نماز زیاد
از فراموشی ترک نماید یا در پیش آید پیش از سلام و بعد از آن
برخیزد و نماز خود اتمام کند و اگر سیادتش از بعد از سلام و بعد از کلمه
بس و در حضور جماعتی از علما اعاده را واجب میدانند
و بعضی اعاده را واجب نمیدانند بلکه تمام سالان را میگویند
و احتیاط در حضور امام است با اعاده و اگر سیادتش
بعد از سلام و صورت ورود از قبله کرده اند و در حضور شیخ
امام است با اعاده اگر چه که با عموم همراه از روی فراموشی
یعنی از امام کوچک رود یا بسجود رود یا بعد از رکوع و کعبه
برود و حکم آن حدیث است بلکه اگر از روی سهو این کار کرد و در
احتیاط از آنست که برگردد و پروردگار تمام کند و اگر سیادتش
از او رعایتش نماید که اتمام احتیاط آنست که نماز را از سر
اعاده کند اگر آنست که در عدد رکعات نماز را برساند بگو
مشهور و معروف آنست که شک در نماز و کفایت و عدم کفایت
و اگر در اول چهار رکعتی نماز را باطل میدانند و احتیاط

اگر شک کند در میان دو رکعت و زیاده پیش از آنکه در سجده دوم را
 کند نمازش باطل است و اگر چنانچه بعد از تمام شدن دو رکعت سجده
 دوم شک کند میان دو و زیاده پس درین حال پنج صورت است
 که مردم را باین احتیاج بسیار واقع میشود
 میان دو و سه و در میان سه و چهار و درین دو صورت بنابر
 میگذارد و نماز را تمام میکند و بعد از آن میشود و است که بگوید
 گفت نماز ایستاده یکبار آورد و دو رکعت نشسته است
 چون دلیل صحت اول واضح نیست احتیاط است که بعد از آنکه
 بنابر سه گذارد و نماز کند نماز را اعاده نماید و احتیاط در صورت
 دوم اینست که بگوید بنابر چهار گذارد و نماز را تمام کند نماز
 احتیاط را در دو رکعت نشسته یکبار آورد و چرا که دلیل بر اینکه
 یک رکعت ایستاده میتواند در بعضی شک است
 در میان دو و چهار و در صورتی باید که بنابر چهار گذارد
 و بعد از آنکه سلام دهد و دو رکعت نماز احتیاط ایستاده
 یکبار آورد و نقل شده که بنابر چهار اعاده را واجب است

و در صورتی

و حدیثی وارد شده که دلیل ادعای اوست پس احتیاط است که
 بعد از نماز احتیاط نماز را اعاده نماید
 در میان دو و سه و چهار و درین صورت بنابر چهار گذارد و احتیاط
 اینست که دو رکعت نماز ایستاده و دو رکعت نشسته یکبار
 آورد و این کوائف حدیث است و مشهور است در میان
 علمای اهل سنت که بدین عمل واقع شود و این بابویه و ابن
 جعفر را عقیده است که یک رکعت ایستاده و دو رکعت نشسته
 یکبار باید آورد و این اعتبار ندارد
 در میان چهار و پنج و در صورتی اگر شک بعد از تمام دو سجده است
 نماز را تمام کند و دو سجده سهو یکبار آورد و اگر شک بعد از رکوع
 بنابر طهارت و در صورت شک در سه و چهار است و اگر شک
 بعد از رکوع بنابر بعضی گفته اند اعاده واجب است
 و احتیاط است که در بعضی صورت نماز را اعاده کند و آنچه درین
 پنج صورت مذکور شد بر تقدیر است که فطری میگوید و گفته
 بنابر آن فطری میگوید و گفته بنابر فطری باید که اعاده و چیزی

از نماز اعتقاد و سجده بر او لازم نیست و مشهور است که نظر در نماز حکم
دارد و هر نمازی که واقع شود و اعتقاد است که اگر غیر صورت است
نماز چهار رکعتی واقع شود و اگر مثل شک و اندیشه نماز را اعاده نمایند
سجده پیش از نماز احتیاط و قضای سجده و تشهد فراموش نشود
اگر حدث واقع شود و سجده حکم و ادو یکو که در میان علی الصلاة یعنی
گفته اند که نماز را از سر بگیرد و احتیاط است بعد از نماز اعتقاد
و تشهد و سجده نماز را اعاده نماید که در سجده سجود خدو است
و اجابت بگو که مشهور است که در پنج صورت واجب است
در صورتی که یک سجده یا دو رکعت باشد یا در سجده و در صورتی که
تستبدد را فراموش کند یا اگر یک رکعت و دو دلیل بر صورت اول اگر
نماز مرت اما اعتقاد است که مرتکب شود در صورتی که نماز
روکرت و تکلم نماید و سجده که سلام کند و غیر محل و در سلام
و دلیل غیر از شهرت علمای هر است اما اعتقاد است که ترک نماید
در صورتی که شک کند و نماز که سجده زیاده کرده یا کم کرده یا رکوع
زیاده کرده یا یک رکعت باشد یا اگر نماز را از محل سجده

مرتفی

مرتفی واجب است و نماز در صورتی که پیش از نماز است و پس از نماز
که باید نشست و این را باید واجب دانست و در صورتی که نماز زیاده
کرده است یا کم در صورتی که شک کند میان سه و چهار رکعت کند که
چهار است و بعضی گفته اند که در هر زیاده و نقصان دو سجده
سجود لازم است و اعتقاد است که در جمیع صورتها که مذکور
شد دو سجده سهوی آوردند که سهو در نماز امام و مأمو
واقع شود حکم است بگو که احتیاط و اولی است که اگر
برده سهو نزدیک باشد هر دو سجده سهوی بیاورد و اگر
سهو از یکی واقع شده باشد همچنین ممکن است آورد که
سهو کرده است اگر در صورت هر دو سجده سهو کردند
بگو که باید که غایت باین روشن کند که هر دو سجده
سهو یکجا میآوریم واجب قریبه الی الله و مقفاران
غایت پیشانی را بر زمین گذارد که سجده بروی سجده
در صورتی که در سجده نماز واجب است که بر زمین بماند
که بر زمین بماند یا که بر زمین گذارد و سجده بگوید

بسم الله و بالله و الحمد لله على كل حال يا ابراهيم النبي و عنته الله و برکاته
و بعد از آن که سر از سجده بردارد و بگوید که الحمد لله و ان لا اله الا الله
و استمدان محمد الرسول الله که دو سجده سهوا در چه وقت است
باید آورد و بگوید و اینست مشهور نیست که محققین بعد از سلام است
که کثیر الشک که شکش اعتبار ندارد و چه کسی شک بگوید که کثیر
الشک نیست که اعتقاد شک کند که مردم انرا بسیار شک دارند
که معنی این که شکش اعتبار ندارد چیست شک که معتقدین
اینست که اگر شک کند در واجب از واجبات نماز که آیا کون است
یا نه باید که برین قرا و دهم که کون است و انرا بجا نیاید
که کثیر الشک که بسیار شک نماز سهو ترک میکند بروی
لازم است یا نه بگوید که اعاده بروی لازم است و همچنین
اگر در دو سهو ترک واجب نماید که طاعتی داشته باشد
و در محل یا در غیر محل واجب است که طاعتی نماید اگر سرسد
که یا با دو سجده سهو بروی لازم است یا نه بگوید که احتیاط
اینست که دو سجده سهو در بعضی که لازم نیست و ترک نماید و الله

و الله اعلم بالصواب

بسم الله و بالله و الحمد لله على كل حال يا ابراهيم النبي و عنته الله و برکاته
و بعد از آن که سر از سجده بردارد و بگوید که الحمد لله و ان لا اله الا الله
و استمدان محمد الرسول الله که دو سجده سهوا در چه وقت است
باید آورد و بگوید و اینست مشهور نیست که محققین بعد از سلام است
که کثیر الشک که شکش اعتبار ندارد و چه کسی شک بگوید که کثیر
الشک نیست که اعتقاد شک کند که مردم انرا بسیار شک دارند
که معنی این که شکش اعتبار ندارد چیست شک که معتقدین
اینست که اگر شک کند در واجب از واجبات نماز که آیا کون است
یا نه باید که برین قرا و دهم که کون است و انرا بجا نیاید
که کثیر الشک که بسیار شک نماز سهو ترک میکند بروی
لازم است یا نه بگوید که اعاده بروی لازم است و همچنین
اگر در دو سهو ترک واجب نماید که طاعتی داشته باشد
و در محل یا در غیر محل واجب است که طاعتی نماید اگر سرسد
که یا با دو سجده سهو بروی لازم است یا نه بگوید که احتیاط
اینست که دو سجده سهو در بعضی که لازم نیست و ترک نماید و الله

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
 شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْمَلَكُ وَالْأَوَّلُ
 الْعِلْمُ مَا يَأْتِي الْقِسْطَ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ
 إِنَّكَ الْبَرُّ عِنْدَ اللَّهِ الْأَسْلَمُ وَأَنَا الْعَبْدُ
 الضَّعِيفُ الْمَذْنُوبُ الْعَاصِي الْحَقِيرُ الْخَتَّابُ
 الْفَقِيرُ أَشْهَدُ بِكَ نِعْمِي وَرَأْفَتِي وَخَيْرَتِي
 وَمَنْعَتِي كَمَا شَهِدَ لَكَ تَبَهُ وَشَهِدَتْ لَكَ
 لَكَ الْمَلَائِكَةُ وَأَوَّلُوا الْعِلْمَ مِنْ عِبَادِهِ بِأَنَّهُ
 لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ ذُو الْقُدْرَةِ وَالْإِحْسَانِ وَالْكَرَمِ
 وَالْإِمْتِنَانِ تَادِرُ أَرْزَاقَ عَالَمٍ أَبَدِيٍّ حَتَّى
 أَحَدِيٍّ مَوْجُودٍ سِرِّ مَدِيٍّ سَمِيْعٍ بَصِيرٍ
 مُرِيدٍ كَادِرٍ مَذْرُوعٍ مَدِيٍّ يَتَخَيَّرُ هَلْ
 الْقَضَاءُ وَهُوَ عَلَى مَا هُوَ عَلَيْهِ فِي مَرَدِّ صِفَاتِهِ
 كَانَ قَوْلًا قَبْلَ وَجُودِ الْقَدَرِ وَالْفَقْدِ وَكَانَ عَلِيمًا
 قَبْلَ

قَبْلَ إِنْجَادِ الْعِلْمِ وَالْعِلْمُ لَمْ يَزَلْ سُلْطَانًا إِذْ لَا مَلَكَةَ
 وَلَا مَالٍ وَلَا يَزَالُ سُلْطَانًا عَلَى جَمِيعِ الْأَحْوَالِ وَجُودِهِ
 قَبْلَ الْفَنَاءِ فِي أَرْزَاقِ الْأَرْزَاقِ وَبَقَاؤُهُ بَعْدَ الْبَقْدِ
 مِنْ غَيْرِ انْتِقَالٍ وَلَا زَوَالٍ غَيْبِيٍّ فِي الْأَوَّلِ
 وَالْآخِرِ مُتَعَيِّنٍ فِي الْبَاطِنِ وَالظَّاهِرِ لَا جُودَ
 فِي قَبِيضَتِهِ وَلَا مِيلَ فِي مَشِيَّتِهِ وَلَا ظِلْمَ فِي تَقْدِيرِهِ
 وَلَا مَهْرَبَ مِنْ حُكْمَتِهِ وَلَا مَلْجَأَ مِنْ سُلْطَانِهِ
 وَلَا مَنَاجَا مِنْ تَعَالِيهِ سَهَقَتْ رَحْمَتُهُ غَلِيظَتِ
 وَلَا يَمُوتُهُ أَحَدٌ إِذَا طَلَبَهُ أَرْوَاحُ الْعَالَمِ
 فِي التَّكْلِيفِ وَسَوَى التَّوْقِيقِ هَبْنِ الضَّعِيفَ
 وَالشَّرِيفَ مَكُونِ أَدَاءِ الْمَأْمُورِ وَسَقَطِ السَّيْلِ
 اخْتِصَانِ سَبِ الْخَطْوِ أَمَّا كَلِمَةُ الطَّاعَةِ دُونَ
 الْوَسْعِ وَالْعَاقِلَةِ سُلْطَانُهُ مَا أَيْدِي كَرَمِهِ وَأَعْلَى
 شَأْنُهُ سُلْطَانُهُ مَا أَجَلَ تَبْلُغِهِ وَأَعْظَمُ إِحْسَانِهِ
 بَعَثَ الْأَنْبِيَاءَ لِيُشِيرَ عَنِ اللَّهِ وَيُصَبِّحَ الْأَوْصِيَاءَ

أَكْبَرُهُ

٧١

لِيُظْهِرَ طَوْلَهُ وَفَضْلَهُ وَجَعَلَنَا مِنْ أُمَّةٍ سَيِّدٍ
 الْأَنْبِيَاءِ وَخَيْرِ الْأَوْلِيَاءِ وَأَفْضَلِ الْأَوْصِيَاءِ وَأَعْلَى
 الْأَرْكَانِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لَا مَنَابُ لَهُ
 وَبِمَادَانَا إِلَيْهِ وَبِالْقُرْآنِ الَّذِي أَنْزَلَهُ عَلَيْهِ
 وَبِوَصِيَّتِهِ الَّتِي أَنْزَلَهُ بَصْنَهُ يَوْمَ الْغَدِيرِ
 وَأَشَارَ بِقَوْلِهِ هَذَا عَلَى الْيَمِّ وَأَشْهَدُ أَنْ
 الْأَيُّمَةَ الْأَكْبَرُ وَالْخُلَفَاءَ الْأَخْيَارَ بَعْدَ
 الرَّسُولِ الْمُخْتَارِ عَلَى قَائِمِ الْكَفَّارِ وَمِنْ بَعْدِ
 سَيِّدِ الْأَوْلَادِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ ثُمَّ أَخُوهُ السَّبِطِ
 الشَّامِخِ الْمُرْتَطِبِ اللَّهُ الْحُسَيْنِ ثُمَّ الْعَابِدِ
 عَلَى ثُمَّ الْبَاقِرِ مُحَمَّدٍ ثُمَّ الصَّادِقِ جَعْفَرٍ ثُمَّ
 الْكَائِمِ مُوسَى ثُمَّ الرَّضَا عَلِيٍّ ثُمَّ الْمُتَّقِي مُحَمَّدٍ
 ثُمَّ الْمُتَّقِي عَلِيٍّ ثُمَّ الزُّكَا الْعَسْكَرِيِّ الْحَسَنِ
 ثُمَّ الْحُجَّةِ الْقَائِمِ الْمُنْتَظَرِ الْمُرَجَّى الَّذِي بَقَائِهِ
 بَقِيَّةُ الدُّنْيَا وَبَعْدَهُ رِزْقُ الْوَلَدِ وَبُجُودُهُ
 بَلَّتْ

الأنبياء

تَبَيَّنَ الْأَرْضُ وَالسَّمَاءُ بِهِ يَلَا اللَّهُ الْأَرْضَ قَسَطًا
 وَعَدْلًا بَعْدَ مَا مَلَأَتْ ظُلُمًا وَجُودَ مُحَمَّدٍ بْنِ الْحَسَنِ
 صَاحِبِ الرِّمَانِ عَلَيْهِ وَعَلَى الْإِبَانَةِ أَفْضَلُ الصَّلَاةِ
 الرَّحْمَنُ وَأَشْهَدُ أَنَّ أَقْوَامَهُ حُجَّةٌ وَامْتِنَانُهُمْ
 فَرِيضَةٌ وَطَاعَتُهُمْ مَغْفِرَةٌ وَصِدْقُهُمْ مَوْدَّةٌ لَا رَمَّةَ
 مَقْضِيَّةٍ وَلَا قَيْدَ بَعْضٍ مَخْجِيَّةٍ وَخَالِفَتُهُمْ رُوحٌ
 وَهَمٌّ سَالَاةٌ أَهْلُ الْجَنَّةِ أَجْمَعِينَ وَشَفَاعَةُ يَوْمِ
 الدِّينِ وَآيَةُ أَهْلِ الْأَرْضِ عَلَى الْيَقِينِ وَأَفْضَلُ الْأَوْصِيَاءِ
 الْمُرْتَضِينَ وَأَشْهَدُ أَنَّ الْمُرْتَضَى وَالْمُتَّقِي وَالْمُتَّقِي
 وَمُسَالِمَةُ الْمُتَّقِي وَالْبَقِيَّةُ وَالْمُتَّقِي وَالْمُتَّقِي
 وَالْمُتَّقِي وَالْمُتَّقِي وَالْمُتَّقِي وَالْمُتَّقِي
 وَالْجَنَّةُ وَالْمُتَّقِي وَالْمُتَّقِي وَالْمُتَّقِي
 لَا رَيْبَ فِيهَا وَأَنَّ اللَّهَ يَبْعَثُ فِي الْقُبُورِ النَّبِيَّ
 فَضْلَكَ رِجَالِي وَكُورِكَ وَرَحْمَتِكَ أَمَلِي وَلَا
 عَمَلِي اسْتَخِي بِهِنَّ الْجَنَّةَ وَلَا طَاعَةَ لِي اسْتَخِي

مخارج

يَا رِضْوَانِ اسْتَجِبْ رُبَّ الْحَبَّةِ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ
 عَذْلَكَ وَتَوَجُّدَكَ وَارْتَجَبْتَ إِحْسَانَكَ وَتَشَقُّقَ
 إِلَيْكَ بِالشَّيْءِ وَأَوْضِيَا يَدَ مَنْ أَحَبَّكَ وَأَنْتَ
 أَكْرَمُ الْأَكْرَمِينَ وَأَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ وَصَلَّى
 اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ أَجْمَعِينَ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ
 وَسَلَّمْ تَسْلِيمًا كَثِيرًا كَثِيرًا اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ
 بِقِيَمَتِي هَذَا وَفِيهِ وَلَدْتُ خَيْرَ مَسْجِدٍ
 وَقَدَّامَتِي بِحِفْظِ الْوَدَّاعِ فَرَّدَهُ عَلَيَّ وَفِي ظَهْرِي
 مَوْفَقِي بِحَبْلِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ
 بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
 اللَّهُمَّ فَاطِمَةُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ غَالِمَةُ الْغَيْبِ
 الشَّهَادَةُ هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ إِنِّي أَعْبُدُكَ
 فِي هَذِهِ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا بِأَقْبَلِ اسْتِغْنَاءٍ أَنْتَ
 أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ وَحْدَكَ لَا شَرِيكَ
 لَكَ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُكَ وَرَسُولُكَ

فَاللَّهُ

فَالْفَلَكُ أَرْكَانِي تُقَرِّبُنِي مِنَ الشَّيْءِ وَتُبَا عِزِّي مِنَ الشَّيْءِ
 وَإِنِّي لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ فَاجْعَلْ لِي عِنْدَكَ
 عَمَلًا نَوَّارًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّكَ لَا تَخْلِفُ
 الْمِيعَادَ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَأَسْأَلُ عَلَى النَّبِيِّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ أَجْمَعِينَ وَالْحَمْدُ عَنِّي
 كُلُّ مَا رَزَقْتَنِي وَخَصَّصْتَ وَذَلَّ كُلُّ ذِي سُلْطَانٍ
 مَلِكِينَ وَتَلَا شَيْءٌ عَنِّي مَخْطَاؤُكَ الْإِنْسَانِ وَالْجِنِّ
 أَجْمَعِينَ يَا مُنْجِي الْعَالَمِينَ يَا مُنْجِي السَّمَوَاتِ
 الْقَائِمَاتِ الْمُسْتَطَاتِ الْمُنْشَاتِ هَوْنًا
 بِالْقُدْرَةِ وَاقْفَاتِ بِالسَّيْعِ الْمُطَابِقَاتِ بِأَحْسَنِ
 الْمَرَادَاتِ بِجَارِي أَمَانِكَ بِمَوْلَانِي الْأَمَلَاتِ
 بِاللَّحْزِ سَيِّئِ الْبَسِيطِ بِالْعَمْرِ سَيِّئِ الْحَبِيطِ بِالْقُدْرَةِ
 الْقَلْبِيَّةِ لَيْسَ لَهَا مَنْتَهَى بِغَايَةِ الْعَنَائَاتِ
 بِوَأَسْمِعِ الْأَشْرَارَاتِ بِصَالِحِ الْمُصْلُوحَاتِ بِرَبِّ

وہاں سے

وَبِأَمْرِكَ الَّذِي بَسَطْتَ يَدَ الْأَرْضِ وَأَسَلْتَ
بِهِ السَّمَاءَ وَجَعَلْتَ فِيكَ الَّذِي ابْتَرَأْتَ بِهِ النَّارَ
عَلَى الْإِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَبِحَامِلِكَ الَّذِي
الْجَعَلْتَ بِهِ صَوْلَةَ الْأَسَدِ الَّذِي يَظْهَرُ
فِي كُلِّ بَلَدٍ الْجَمْعُ اللَّهُ عَمِّي مِنْ طُغْيٍ وَبَغْيٍ
وَمُزْدِ وَدَعْوَى وَكَادَ وَجَدَ وَبَرَقَ وَارَقَ
وَأَجَزْتَ كُلَّ عَدُوِّي وَأَعْدَاءِ مِنَ الْحَيِّ
وَالْأَنْسِ إِحْضَتُهُمْ وَشَلَّتُهُمْ وَزَيَّغَتْهُمْ
وَوَطَّعَتْهُمْ وَفَرَّقَتْهُمْ وَسَيَّرَتْهُمْ وَطَيَّرَتْهُمْ
وَطَرَّدَتْهُمْ وَأَبْعَدَتْهُمْ وَأَفْلَيْتَهُمْ وَشَلَّتْ
جَمْعَهُمُ بِالْفِ الْفِي رِءَسِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
أَلْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَأَجَزْتَ كُلَّ
عَدُوِّي وَأَعْدَاءِ بِالْفِ الْفِي رِءَسِ اللَّهِ
الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ كُلِّ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ وَوَجَّزْتَ
كُلَّ عَدُوِّي وَأَعْدَاءِ بِالْفِ الْفِي رِءَسِ اللَّهِ

[illegible]

الرحمن الرحيم قل هو الله احد الى وجرت
 كل عدو لي واعل لي يا افعى الف مرة
 بسم الله الرحمن الرحيم قل اعوذ برب الفلق
 الى وجرت كل عدو لي واعل لي يا افعى
 الف مرة بسم الله الرحمن الرحيم قل اعوذ
 برب الناس الى وجرت كل عدو لي
 واعل لي يا افعى الف مرة بسم الله
 الرحمن الرحيم بسم الله الرحمن الرحيم
 ومن ويا لولا اسيرين والحواميم ويون والقلم
 وما يسطرون وبالطود والكنايب مضطرون
 في رقب منشور والبيت المعمور والسقف
 المرفوع والبحر المعمور قولوا من يرى على الارض
 خائشين فجلوا هذا لك وانقلوا صاعرين
 وقد منال الى ما عملوا من عمل فجعلناه هباء
 منثورا فوق الحق وبطل ما كانوا يعملون
 بالذ

يا افعى الف مرة وكحل لك لقا يا الله
 افعى العظمى وصلى الله على محمد وآله اجمعين
 احقتم حرزا فكم يوتون من الهى وصمدى بن عبدك
 منك دى اياك فعد ويا لك كسعين وانت
 علام الغيوب يا قتيب يا حبيب
 هذا الهى كل الشيعى للشان جليل القدر من جلاله او كان شرف
 كان في امان الله تعالى وحفظ ومن جلاله او كان شرف
 خلق من موهبة من الله تعالى وحفظ ومن جلاله او كان شرف
 على موهبة من الله تعالى وحفظ ومن جلاله او كان شرف
 وسلم وان كان يرى التزويج وتوحي الله تعالى امره وورقه الوالد
 والبركة من جلاله وحفظ من جلاله او كان شرف
 الحمد لله الذي لا يمتنى من ذكره
 ولا يخيب من دعاء الحمد لله الذي من توكل
 عليه لانه الحمد لله الذي لا تحصى افعاله
 والحمد لله الذي جازى بالاحسان احسانا

وَمَا فِي الْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا وَمَا تَحْتَ الثَّرَى
وَأَنْ يُجْعَلَ بِالْقَوْلِ فَإِنَّهُ يَعْلَهُ السِّرَّ وَأَخْفَى اللَّهُ
لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ لَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى مِنْ سَجَرٍ عَلَى
سَلَابٍ وَمَكْرٍ عَلَى مَالِكٍ وَمِنْ شَرٍّ عَلَى مُثَلِّثٍ
وَأَجْرٍ وَأَعْيَدَ حَامِلَهَا مِنْ شَرِّ الْأَشْرَارِ
وَكَيْدِ الْفَجَّارِ وَمَا اخْتَلَفَ عَلَيْهِ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ
بِقَوْلِ الْوَاحِدِ الْقَهَّارِ وَأَعْيَدَهُ بِالْإِسْمِ
الْمُخْزُونِ الْمَكْنُونِ الَّذِي تَحْتَهُ وَتَحْتَ رُءُ
وَتُرْضَى مِنْ دِفْءِكَ بِهِ بِالْإِسْمِ الَّذِي تُوَفَّى
بِهِ الْمَلَكُ مِنْ تَشَاءٍ وَتَنْزِعُ الْمَلَكُ مِنْ تَشَاءٍ
وَتُجْرِي مِنْ تَشَاءٍ وَتُذِلُّ مِنْ تَشَاءٍ بِيَدِكَ
الْعَزِيزِ الرَّفِيعِ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ تُوَفَّى الْيَتِيمَ
فِي النَّهَارِ وَتُوَفَّى الثَّمَانِيَةَ الْيَتِيمَ وَتُخْرِجُ الْحَيَّ
مِنَ الْمَيِّتِ وَتُخْرِجُ الْيَتِيمَ مِنَ الْحَيِّ وَتُزَكِّي
مَنْ تَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ وَسَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا
مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ وَسَلَّمَ

أَعِيذُ نَفْسِي بِاللَّهِ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ لِلْحَيِّ الْقَيُّومِ
لَا تَأْخُذُ سِنَةٌ وَلَا نَوْمٌ لَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ
وَمَا فِي الْأَرْضِ مَنْ ذَا الَّذِي يَشْفَعُ عِنْدَهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ
يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَلَا يُحِيطُونَ
بِشَيْءٍ مِنْ عِلْمِهِ إِلَّا بِمَا شَاءَ وَسِعَ كُرْسِيُّهُ
السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَلَا يَئُودُهُ حِفْظُهُمَا وَهُوَ
الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ
الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ مَنْ يَكْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَيُؤْمِنْ
بِاللَّهِ فَقَدْ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَى
الَّتِي لَا انْقِطَاعَ لَهَا وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ وَلِلَّهِ
الَّذِينَ آمَنُوا وَخَرُّعُوا مِنَ الطَّاغُوتِ إِلَى التَّوَرِ
وَالَّذِينَ كَفَرُوا أُولَئِكَ هُمُ الطَّاغُوتُ يُخْرِجُونَ
مِنَ التَّوَرِ إِلَى الطَّاغُوتِ أُولَئِكَ أَصْحَابُ
النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ آمَنَ الرَّسُولُ بِمَا
أُنْزِلَ إِلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ وَالْمُؤْمِنُونَ كُلٌّ آمَنَ
بِاللَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ لَا تَرَى فِيهَا

مُؤْمِنًا

مِنْ رُسُلِهِ وَتِلْكَ الْأُمَمُ أَدْنَىٰ مَا أَطَعْنَا عَفَرَ لَكَ رَبَّنَا
وَالَّذِي الْفَصِيرُ لَا يُعْلِمُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وَشَعْلًا
لَهَا مَا كَسَبَتْ وَعَلَيْهَا مَا اكْتَسَبَتْ رَبَّنَا لَا تُؤْخَذِ
إِبْرِسِينَا أَوْ أَخْطَانَا رَبَّنَا وَلَا تَجْعَلْ عَلَيْنَا مِثْلَ
حُمْلَةٍ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِنَا رَبَّنَا وَلَا تَجْعَلْنَا مِلًّا
طَافَ لَنَا بِهِ وَعَفَّرْنَا وَوَفَّقْنَا وَارْحَمْنَا أَنْتَ
مَوْلَانَا فَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ
أَعِيذُ نَفْسِي بِاللَّهِ قَالَ لِلسَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ اثْنِيَا
طَوْعًا أَوْ كَرْهًا قَالَتَا أَتَيْنَا طَائِعِينَ وَأَعُوذُ بِاللَّهِ
مِنْ شَرِّ كُلِّ حَبِيرٍ عَنِيْدٍ وَشَيْطَانٍ مَرِيدٍ
وَجِبِّي شَهِيْدِي قَائِمٌ أَوْ قَاعِدٌ فِي أَكْلِ أَوْ شَرِبِ
أَوْ نَوْمٍ أَوْ غِيَا لِكُلِّ مَا سَمِعُوا بِآيَاتِ اللَّهِ
تَوَلَّى عَلَى أَعْقَابِهِمْ هَرَبًا بِحُسْبَانٍ آمَنَّا
خَلَقْنَاكُمْ عَبَادًا وَعَبِيدًا حَامِلِي كِتَابِي
هَذَا بِالْأَمْنَاءِ التَّمَانِيَةِ الْمَكْتُوْبَاتِ فِي قَلْبِ

فلا

وَالَّذِينَ هُمْ فِي يَوْمِ الْأَشْنِئَةِ وَمَا أَلَمَتْ أَجْبٌ مِنْ
جَلَدِ جَلَدِكَ وَمَا ظَنُّهُمْ الْعَرْشِ مِنْ بَعْدِ عَمَلِكَ
وَيَسْتَمِى الرَّحْمَةُ مِنْ كِتَابِكَ الْكَفَّ حَامِلُ كِتَابِي
هَذَا أَفَاتُ الدُّنْيَا وَعَذَابُ الْآخِرَةِ أَنْتَ أَهْلُ التَّقْوَى
وَأَهْلُ الْمَغْفِرَةِ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَصَلَّمَ
أَعْبَدُ نَفْسِي بِاللَّهِ الَّذِي لَا إِلَهَ سِوَاهُ مِنْ
شَيْءٍ مَا لِي فِي الْأَرْضِ وَمَا أَخْرِجُ مِنْهَا وَمَا يَنْزِلُ مِنَ
السَّمَاءِ وَمَا يَخْرُجُ فِيهَا وَمَنْ عَمَلَكُمْ أَيْنَمَا كُنْتُمْ
وَاللَّهُ يَمْلِكُ لَكُمْ بِصِيرَةٍ لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ
وَاللَّهُ شَجَّحَ الْأَمُورَ نُبُوحَ اللَّيْلِ فِي النَّهَارِ وَنُبُوحَ
النَّهَارِ فِي اللَّيْلِ وَهُوَ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ وَ
أَعُوذُ بِمَا اسْتَعَاذَ بِهِ آدَمُ أَبُو الْبَشَرِ وَنُوحٌ وَ
هَارُونَ وَإِسْرَافِيلُ وَنُوحٌ وَهُدًى وَصَالِحٌ وَغُثَيِّبٌ وَطُوفٌ
وَأَبْرَاهِيمُ وَاسْمَاعِيلُ وَإِسْحَاقُ وَيَعْقُوبُ وَالْأَسَافُ
وَمُوسَى وَهَارُونَ وَآدَمُ وَسُلَيْمَانُ وَآدَمُ وَآلِيهِ

وَاللَّيْسَ وَفِي الْكُفْرِ وَيُؤْتِي دَعْوِي وَنَكِي يَا وَيْحِي الْخَفَرُ
وَيُحْيِي خَيْرَ الْبَشَرِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ وَيَا
اسْتَعَاذِي بِكَ كُلَّ مَلَكٍ مُقَرَّبٍ وَنَبِيٍّ مُرْسَلٍ
الْأَتْبَاعُ عَدَمٌ وَتَقَرُّ عَنْ حَامِلٍ كَيْفَ هَذَا
وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَسَلَّمَ
أَعْيُنُ نَفْسِي وَأَهْلِي وَمَالِي وَوَلَدِي وَخِيَامِي وَمَا
تَحْتَانِي يَدِي وَأَهْلَ خِرَافَتِي وَمَنْ أَسَدِي إِلَى يَدَا
أَوْعِيلٍ مَعِي مَعْرُوفًا يَسِيدِ أَرْضَانِي بِاللَّهِ الَّذِي
لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ
هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ الْمُتَنَبِّهُ
الْقَابِلُ الْمُجِيبُ الْعَزِيزُ الْحَبِيبُ الْمُسْتَكِيمُ الْمُسْتَجَابُ
اللَّهُ عَمَّا يُرِيدُونَ هُوَ اللَّهُ الْخَالِقُ الْبَارِئُ الْمُصَوِّرُ
لَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى يُسَبِّحُ لَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ
وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ يَا أَرْثُونَ يَا مَدِينِ الْأُمُودِ
اللَّهُ فَتَرَى السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ مِثْلَ نُورٍ لَيْسَ كَوْنُهُ

فَمَا

فِيهَا مَصْبَاحُ الْمَصْبَاحِ فِي رُجَاةِ الرَّجَاةِ كَالْفَا
كَوْنُ دُرِّي يُوقِدُ مِنْ شَجَرَةِ مُبَارَكَةٍ تَقْوُونَ لَا
شَرْقِيَّةَ وَلَا غَرْبِيَّةَ يَكَادُ رُبُّهَا يَضُوُّ وَلَمْ تَسْهَ
تَاذُرْ عَلَى قُرْبِهِ دَعَا اللَّهُ لِنُورِهِ مِنْ تَبَاتٍ وَتَضَرَّبَ
اللَّهُ الْكَامِنُ لِلنَّاسِ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ إِنَّكُمْ
اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ
ثُمَّ اسْتَوَى عَلَى الْعَرْشِ يُغْشِي اللَّيْلَ اللَّيْلَ يُظَلِّلُهَا
حَتَّى تَنَامَ وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ وَالنُّجُومُ سَحَابٌ بِأَمْرِ الْإِلَهِ
لَهُ الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ تَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ أَدْعُو
بِكُمْ تَضَرَّعًا وَخَفِيَّةً إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْعَظِيمِينَ وَلَا
تَقْدِرُ لِي إِلَّا مِنْ بَعْدِ إِصْلَاحِهَا وَأَدْعُنِي خَوْفًا
وَعَطْفًا إِنَّ رَحْمَةَ اللَّهِ قَرِيبٌ مِنَ الْمُحْسِنِينَ وَصَلَّى
اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ أَجْمَعِينَ
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
هَذَا التَّائِبُ مِنَ اللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ وَمَنْ تَقَرُّ عَنْ

سليمان بن داود ملك في الحق ولا نفس والشياطين
 وكل بناء وشئ من المجمع ما في الارض لطالب
 هذا الكتاب من التواضع والتواضع والعبادة وامر
 الصبيان من الخمس والدرهم والارض جميع
 الارواح والمحبشة الخبيثة عزمت عليكم
 يا معاشر الارواح ان كنتم من الارواح البرية
 فاني عزمت عليكم فقبارك الله احفظ الحافظين
 وانتد ان كنتم من ارواح الجحوش فاني عزمت عليكم
 فقبارك الله رب العالمين وانتد ان كنتم من ارواح
 المسلمين فاني عزمت عليكم يا ايها الذين وحرف
 وحرف لو لا تفرقوا بالصاحب هذا الكتاب في الليل
 ولا في النهار ولا في سفر ولا في حضر وايضا في حق
 التوراة وايضا في حق القرآن وكله بها لا اله الا
 الله وحده لا شريك له الف واحد املا عليه
 وعزم يا اودس اعترف اذ لا اله الا انت سبحانك

ال

اني كنت من الظالمين فاستجبنا له ونجيناه من الغم
 وكذلك نجى المؤمنين لا اله الا الله الغني الغني العلي
 العظيم العظيم اكبر الكبريم العلي الحق التوحيدي
 الثاني الا احد الله الواحد الفرح المعز المذل
 الذي لم يلد ولم يولد ولم يكن له كفوا احد الله
 لا اله الا هو الحق التوحيدي لا تأخذه الى العظام هو حي
 القيوم استنار العليم النجار القوي لا اله الا هو
 والله لا اله الا هو الله لا اله الا هو
 باسم الله العظيم العلي تعالى الله عما يشركون باسم
 محمد صلى الله عليه وآله وسلم وباسم من خلق
 عليه سبعون اوتيس اذكر اني اوتيت حيا او بعدا في حق
 الله تعالى في حق خاتم سليمان بن داود وفي حق خاتم
 اسف بن خيا وفي حق خاتم شعيب النبي وفي حق خاتم
 يوسف بن مريم وفي حق خاتم ابراهيم النبي وفي حق
 يوسف بن خاتم يحيى وكراماتنا انتم من بعد اسم

و محمد

و

يعني لم يخل من قبله سميتا ونجا ثم منى ابو عمران
ونجاته حتى صلى الله عليه وآله اجمعين وبعث مائة
واربع عشرة سورة وحروف وكلمة وقوارع وامر منى
ووعده ووعده باذا الجلال والكرام والجمال عندك
الضعيف من هذه الالف الشعب ومن خلق
تحت من شرا ومن كان انا انما الدنيا والاخرة
من جعلها وملاها وخرابها ومارتها يا غياث
المستغيثين ويا جبار المستجيرين ويا ديان يوم
الدين وشرعهم المسلمين وبعث الله من سليمان
وانه ليسد الله الرحمن الرحيم آلا تعلوا علي
وانوفى مسلمين لا آله الا انت سبحانك انى
كنت من الظالمين لا آله الا انت العزيز القدير
يوم الدين يا ذا الجلال والكرام والكرام وبعث السبع
السموات والارضين وبعث طه وبيس وكهيعص
ومعنى وبعث الباقى كالحمد والحمد لله والحمد لله

الاول

ليزلن ولم يزلن ولم يكن له كفوا احد جسم الله الرحمن
جسم الله الذى لا آله الا هو الحق الباقى سبحان
الله تعالى رب العالمين والحمد لله رب العالمين
لا تقم يوم يرون ما يؤمر به لا يلبثوا الا ساعة
من نهار بلاغ فقل صلاتك آلا القوم الفاسقون
يا غياث غياثي بنى يخلص خلق عليه هذا اليوم
فتفتحنا ابواب السماء وبنا ومنهم وفتحتنا الارض
عيونا فالتقى الماء على اى فرق قد روي يوم تشقق
السموات بانفجار ونزل الملكة بنزل الملك يومئذ
الحق الرحمن انا صبيبا الما وصيبا ثم تشققنا الارض
شقا فانبثا فيها حبنا ونبا وقصبا وزيتونا
ونخلنا وحدائق غلبا وفاكهة وابنا مشاعا كثر
ولا تخافك فاذا اجاءت الفتنة جسم الله الرحمن الرحيم
انا نقمنا الى الله عز وجل اوليهم الذين كفروا ان

ان السموات والارض كانتا قافقتناهما وجعلنا
من الماء كل شئ الذي يمشي اذ السماء انشقت
الى وتخلت وبالبحر انزلنا موسى بالحق قوله وما ارسلنا
اكلاما بشرنا وفيه برهان وليحي الله الذي نزل الكتاب
وهو يتولى الصالحين الله العرش العظيم بسم الله
الرحمن الرحيم لا اله الا الله رب العالمين واسمى
واسحق ويعقوب ولا سباط ولا سبطا ولا سبطا
واسرائيل وعمرنا اسرائيل واعيد من خلقه كذا
هذا باسمك الله اكبر وبكلمات الثمانيات التي
لا يجرها زهر من برك ولا فاجر وباسماء الله الحسنى
وبعزرة الله وملكوت الله وجبروته وعظمته
ومن شرف ما خلق وذرة وبره ومن شرف الصانع
والخالق والمظاهر والباطن والشاهد والغائب
والغبار والتراب ومن شرف خلقه في البر والبحر
والسموات والارض والخلق وساكن الارض والسموات
التي

في قوله تعالى وما ارسلنا

او فصيح قال بالانقضاء او ساكن البحار والظلمة ابلغ
للخطا ويحيى بها اي يرفع بها ويغلبه اعز من ذنوب
من خلق عليه كتابي هذا وهو في حق ربنا الله حيث
كان بحيث ما كان اذ كان ما كان والله معززه والله
وليته وصافله وحارسه وعائنه مما به من عيون
او نفس او لمس او مس بما شاء الله لا قوة الا بالله
وباذن الله وبالله ففقت وبفقت واعيد الله
الا حد الصمد الذي لم يلد ولم يولد واعيد بالله من شرف
ما خلق ومن شرف ما خلق ما آووا واعيد رب العالمين
ملك الناس الى كمال الله لحفظ صلاحه على العالمين
بحق عبدك محمد صلى الله عليه وآله والحيات
الكريمة وكلامك العظيم وملك القديم بزمك
يا ارحم الراحمين وصلى الله على خير خلقه محمد وآله
واولاده وعترته الطيبين الطاهرين

بسم الله الرحمن الرحيم

يَا سَامِعَ السَّمَاءِ وَيَا فَاطِرَ السَّمَاءِ وَيَا دَائِمَ الْبَقَاءِ
 وَيَا وَاسِعَ الْعَمَاءِ لَدَى الْفَاقَةِ الْعَدِيمِ وَيَا عَالِمَ
 الْغُيُوبِ وَيَا سَاتِرَ الْعُيُوبِ وَيَا كَاشِفَ الْكُرُوبِ
 وَيَا غَافِرَ الذُّخْرِ عَنِ الْمَرْهَقِ الْكُظُمِ وَيَا فَاتِحَ
 الصَّقَاتِ وَيَا حَامِعَ الشَّتَاتِ وَيَا مُخْرِجَ الشَّيْءِ
 وَيَا بَاعِثَ الْمَمَاتِ مِنَ الْعِظَمِ الرَّيْمِ وَيَا مُنْزِلَ الْغِيَا
 مِنَ الدُّجَى الْحَوَاتِ عَلَى الْحَزَنِ وَالْذَمَاتِ الْحُجُجِ
 وَالْعُلَاتِ مِنَ الْقُصْرِ الزُّيُومِ وَيَا خَالِقَ الْبُرُوجِ

سَمَاءَ بِلَا فَوْجٍ مَعَ اللَّيْلِ ذِي الْوُجُحِ عَلَى الصُّقُوفِ
 ذُو الْبُلُوجِ وَيَا فَاتِحَ الصَّحَاحِ وَيَا مُوَسِّلَ الْفَاحِجِ
 بَكُورًا مَعَ الْوُجُحِ فِي تَحْتِ الْفَاحِجِ وَيُنْشِئَانِ
 بِالْغُيُومِ وَيَا مُوَسِّلَ الْوُجُحِ أَوْتَادَهَا الشَّوَارِحِ
 فِي أَرْضِهَا الشَّوَارِحِ أَطْوَادَهَا الْبُلُوجِ مِنْ
 صُنْعِهِ الْقَدِيمِ وَيَا هَادِيَ الرَّشَادِ وَيَا مُوَسِّلَ
 السُّبُوحِ وَيَا دَائِمَ الْعِبَادِ وَيَا مُخْرِجَ السُّبُوحِ
 وَيَا فَاتِحَ الْغُيُومِ

وَيَأْمَنُ بِمَا آخَرُهُ وَيَأْمَنُ بِمَا آوَدُهُ
وای که بگوید بیا بگویم وای که بگوید بیا بگویم
وَيَزُجُّ بِمَا يَفْقَهُ فَمَا عَنَّهُ لِي شَكَّةٌ
وای که بگوید بیا بگویم وای که بگوید بیا بگویم

لَكَ الْحَمْدُ يَا حَكِيمُ
بر تو که او را بر تو داناییت

وَيَأْمَنُ بِمَا آخَرُهُ وَيَأْمَنُ بِمَا آوَدُهُ
وای که بگوید بیا بگویم وای که بگوید بیا بگویم

وَيَأْمَنُ بِمَا آخَرُهُ وَيَأْمَنُ بِمَا آوَدُهُ
وای که بگوید بیا بگویم وای که بگوید بیا بگویم

وَيَأْمَنُ بِمَا آخَرُهُ وَيَأْمَنُ بِمَا آوَدُهُ
وای که بگوید بیا بگویم وای که بگوید بیا بگویم

وَيَأْمَنُ بِمَا آخَرُهُ وَيَأْمَنُ بِمَا آوَدُهُ
وای که بگوید بیا بگویم وای که بگوید بیا بگویم

وَيَأْمَنُ بِمَا آخَرُهُ وَيَأْمَنُ بِمَا آوَدُهُ
وای که بگوید بیا بگویم وای که بگوید بیا بگویم

اعوذ

أَعِزَّنِي مِنَ الصُّغُومِ
بیا مدد مرا از غمها

وَيَزُجُّ بِمَا يَفْقَهُ فَمَا عَنَّهُ لِي شَكَّةٌ
وای که بگوید بیا بگویم وای که بگوید بیا بگویم

وَيَزُجُّ بِمَا يَفْقَهُ فَمَا عَنَّهُ لِي شَكَّةٌ
وای که بگوید بیا بگویم وای که بگوید بیا بگویم

وَيَزُجُّ بِمَا يَفْقَهُ فَمَا عَنَّهُ لِي شَكَّةٌ
وای که بگوید بیا بگویم وای که بگوید بیا بگویم

وَيَزُجُّ بِمَا يَفْقَهُ فَمَا عَنَّهُ لِي شَكَّةٌ
وای که بگوید بیا بگویم وای که بگوید بیا بگویم

وَيَزُجُّ بِمَا يَفْقَهُ فَمَا عَنَّهُ لِي شَكَّةٌ
وای که بگوید بیا بگویم وای که بگوید بیا بگویم

وَيَزُجُّ بِمَا يَفْقَهُ فَمَا عَنَّهُ لِي شَكَّةٌ
وای که بگوید بیا بگویم وای که بگوید بیا بگویم

وَيَزُجُّ بِمَا يَفْقَهُ فَمَا عَنَّهُ لِي شَكَّةٌ
وای که بگوید بیا بگویم وای که بگوید بیا بگویم

وَيَزُجُّ بِمَا يَفْقَهُ فَمَا عَنَّهُ لِي شَكَّةٌ
وای که بگوید بیا بگویم وای که بگوید بیا بگویم

فَمَاعَتْهُ مِنْ مَنَاصِرٍ لِعَبْدٍ وَالاخْلَاصِ
پیشانی از جایگزین
از جهت بندگی و وفاداری

لِيَايُنَ وَلَا يَمُنَّ
مگر از نه و از نماند

وَلَا يَخْبِرُ مُسْتَفَاضٍ لِحُجْرِ النُّبِيِّ رَاضٍ
وای خبری نیست رساننده
از حلقه ای یقین را به

بِمَا هُوَ عَلَيْهِ قَاضٍ مِنْ أَحْكَامِهِ الْمَوَاضِ
با آنچه او بر او گشته است
از حکمهای او که او است

تَحَقَّقَتْ مِنْ حَكِيمٍ
مهری تو را حکمت

وَقَامَتْ بِنَا حَاطِطٍ وَعَنْ لَدُنِّي مُبِطُ
وای ای که بر ما بر آید
و از لایق را با بر میداری

وَمِنْ مَلِكِهِ السَّيِّطُ وَمِنْ عَدْلِهِ الْقَبِيضُ
و از کسی که او گسترده است
و از عدل او که گسترده است

عَلَى الْبَرِّ وَالْأَشِيمِ
بر پیکار و بر آید

فَالْأَمْرُ

وَأَيُّكَ الْعُفْرُ وَأَيُّكُمْ شَيْئٌ وَالْعُفْرُ
وای شما را که خالی است
و ای شما را که چیزی است

وَيَا قَائِسَ الْخُطُوطِ يَا حَمَائِلَ الْخُفُوفِ
وای قیاس کننده و بهره
و ای که بر کمرها را بر داری

وَقَامَتْ هُوَ السَّمْبَعُ وَمَنْ عَرَشَهُ الرَّفِيعُ
و ای که بر او گشته است
و از کسی که بر او گشته است

وَمَنْ خَلَقَهُ السَّبِيحُ وَمَنْ جَلَدَهُ الْمُنْبِيعُ
و از کسی که او خلق کرده است
و از کسی که او بر او گشته است

مِنْ الْقَالِ الْعُفْرِ
از طایفه ای که بر او گشته است

فَقَدْ نَفَى عَنِّي هَلِكٌ وَلَا يَفُوتُنِي ذَاكَ
و ای که مرا از او دور است
و ای که مرا از او دور است

بِتَوْفِيقِكَ الْعَطُوفِ
با توفیق تو که مهربان است

فَيَا مَوْعِدِي الْجَلَالِ وَذَا الْعِزِّ وَالْجَلَالِ
وای ای که مرا از تو بر آید
و ای که مرا از تو بر آید

وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الْعَلِيِّ وَذَا الْكَرَمِ وَالْجَلِيلِ

وَهُوَ ذَا الْكَرَمِ وَالْجَلِيلِ

تَعَالَيْتَ مِنْ خَلْقِهِ

وَأَنْزَلْتَ فِيهِ رُوحَ الْقُدُسِ

وَمِنْ مَنَاقِبِ الْعَظِيمِ

وَمِنْ عِلْمِهَا الذِّكْرُ

وَمِنْ حَقِّهَا الْقِيَمُ

وَمِنْ مَنَاقِبِ الْعَظِيمِ

وَمِنْ فَاسِيحِ مَنَاقِبِهَا وَسَوْ غ

فَلَمَّا كُنَّا فِي قُلُوبِهَا

فَلَمَّا كُنَّا فِي قُلُوبِهَا

مِنْ مَنَاقِبِ الْعَظِيمِ

وَأَنْزَلْتَ فِيهِ رُوحَ الْقُدُسِ

فَالَا

وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الْعَلِيِّ وَذَا الْكَرَمِ وَالْجَلِيلِ

وَهُوَ ذَا الْكَرَمِ وَالْجَلِيلِ

تَعَالَيْتَ مِنْ خَلْقِهِ

وَأَنْزَلْتَ فِيهِ رُوحَ الْقُدُسِ

وَمِنْ مَنَاقِبِ الْعَظِيمِ

وَمِنْ عِلْمِهَا الذِّكْرُ

وَمِنْ حَقِّهَا الْقِيَمُ

وَمِنْ مَنَاقِبِ الْعَظِيمِ

وَمِنْ فَاسِيحِ مَنَاقِبِهَا وَسَوْ غ

فَلَمَّا كُنَّا فِي قُلُوبِهَا

فَلَمَّا كُنَّا فِي قُلُوبِهَا

مِنْ مَنَاقِبِ الْعَظِيمِ

وَأَنْزَلْتَ فِيهِ رُوحَ الْقُدُسِ

فَالَا

و بعد مرزا را مانع

سوی بہت باغ

بیست و نهم

پیشانی

...

فکریت و توحید از او بازاری

...

10

۱۰۰

۱۱۰۰

1871

11. 12. 13. 14. 15. 16. 17. 18. 19. 20. 21. 22. 23. 24. 25. 26. 27. 28. 29. 30. 31. 32. 33. 34. 35. 36. 37. 38. 39. 40. 41. 42. 43. 44. 45. 46. 47. 48. 49. 50. 51. 52. 53. 54. 55. 56. 57. 58. 59. 60. 61. 62. 63. 64. 65. 66. 67. 68. 69. 70. 71. 72. 73. 74. 75. 76. 77. 78. 79. 80. 81. 82. 83. 84. 85. 86. 87. 88. 89. 90. 91. 92. 93. 94. 95. 96. 97. 98. 99. 100. 101. 102. 103. 104. 105. 106. 107. 108. 109. 110. 111. 112. 113. 114. 115. 116. 117. 118. 119. 120. 121. 122. 123. 124. 125. 126. 127. 128. 129. 130. 131. 132. 133. 134. 135. 136. 137. 138. 139. 140. 141. 142. 143. 144. 145. 146. 147. 148. 149. 150. 151. 152. 153. 154. 155. 156. 157. 158. 159. 160. 161. 162. 163. 164. 165. 166. 167. 168. 169. 170. 171. 172. 173. 174. 175. 176. 177. 178. 179. 180. 181. 182. 183. 184. 185. 186. 187. 188. 189. 190. 191. 192. 193. 194. 195. 196. 197. 198. 199. 200. 201. 202. 203. 204. 205. 206. 207. 208. 209. 210. 211. 212. 213. 214. 215. 216. 217. 218. 219. 220. 221. 222. 223. 224. 225. 226. 227. 228. 229. 230. 231. 232. 233. 234. 235. 236. 237. 238. 239. 240. 241. 242. 243. 244. 245. 246. 247. 248. 249. 250. 251. 252. 253. 254. 255. 256. 257. 258. 259. 260. 261. 262. 263. 264. 265. 266. 267. 268. 269. 270. 271. 272. 273. 274. 275. 276. 277. 278. 279. 280. 281. 282. 283. 284. 285. 286. 287. 288. 289. 290. 291. 292. 293. 294. 295. 296. 297. 298. 299. 300. 301. 302. 303. 304. 305. 306. 307. 308. 309. 310. 311. 312. 313. 314. 315. 316. 317. 318. 319. 320. 321. 322. 323. 324. 325. 326. 327. 328. 329. 330. 331. 332. 333. 334. 335. 336. 337. 338. 339. 340. 341. 342. 343. 344. 345. 346. 347. 348. 349. 350. 351. 352. 353. 354. 355. 356. 357. 358. 359. 360. 361. 362. 363. 364. 365. 366. 367. 368. 369. 370. 371. 372. 373. 374. 375. 376. 377. 378. 379. 380. 381. 382. 383. 384. 385. 386. 387. 388. 389. 390. 391. 392. 393. 394. 395. 396. 397. 398. 399. 400. 401. 402. 403. 404. 405. 406. 407. 408. 409. 410. 411. 412. 413. 414. 415. 416. 417. 418. 419. 420. 421. 422. 423. 424. 425. 426. 427. 428. 429. 430. 431. 432. 433. 434. 435. 436. 437. 438. 439. 440. 441. 442. 443. 444. 445. 446. 447. 448. 449. 450. 451. 452. 453. 454. 455. 456. 457. 458. 459. 460. 461. 462. 463. 464. 465. 466. 467. 468. 469. 470. 471. 472. 473. 474. 475. 476. 477. 478. 479. 480. 481. 482. 483. 484. 485. 486. 487. 488. 489. 490. 491. 492. 493. 494. 495. 496. 497. 498. 499. 500. 501. 502. 503. 504. 505. 506. 507. 508. 509. 510. 511. 512. 513. 514. 515. 516. 517. 518. 519. 520. 521. 522. 523. 524. 525. 526. 527. 528. 529. 530. 531. 532. 533. 534. 535. 536. 537. 538. 539. 540. 541. 542. 543. 544. 545. 546. 547. 548. 549. 550. 551. 552. 553. 554. 555. 556. 557. 558. 559. 560. 561. 562. 563. 564. 565. 566. 567. 568. 569. 570. 571. 572. 573. 574. 575. 576. 577. 578. 579. 580. 581. 582. 583. 584. 585. 586. 587. 588. 589. 590. 591. 592. 593. 594. 595. 596. 597. 598. 599. 600. 601. 602. 603. 604. 605. 606. 607. 608. 609. 610. 611. 612. 613. 614. 615. 616. 617. 618. 619. 620. 621. 622. 623. 624. 625. 626. 627. 628. 629. 630. 631. 632. 633. 634. 635. 636. 637. 638. 639. 640. 641. 642. 643. 644. 645. 646. 647. 648. 649. 650. 651. 652. 653. 654. 655. 656. 657. 658. 659. 660. 661. 662. 663. 664. 665. 666. 667. 668. 669. 670. 671. 672. 673. 674. 675. 676. 677. 678. 679. 680. 681. 682. 683. 684. 685. 686. 687. 688. 689. 690. 691. 692. 693. 694. 695. 696. 697. 698. 699. 700. 701. 702. 703. 704. 705. 706. 707. 708. 709. 710. 711. 712. 713. 714. 715. 716. 717. 718. 719. 720. 721. 722. 723. 724. 725. 726. 727. 728. 729. 730. 731. 732. 733. 734. 735. 736. 737. 738. 739. 740. 741. 742. 743. 744. 745. 746. 747. 748. 749. 750. 751. 752. 753. 754. 755. 756. 757. 758. 759. 760. 761. 762. 763. 764. 765. 766. 767. 768. 769. 770. 771. 772. 773. 774. 775. 776. 777. 778. 779. 780. 781. 782. 783. 784. 785. 786. 787. 788. 789. 790. 791. 792. 793. 794. 795. 796. 797. 798. 799. 800. 801. 802. 803. 804. 805. 806. 807. 808. 809. 810. 811. 812. 813. 814. 815. 816. 817. 818. 819. 820. 821. 822. 823. 824. 825. 826. 827. 828. 829. 830. 831. 832. 833. 834. 835. 836. 837. 838. 839. 840. 841. 842. 843. 844. 845. 846. 847

بش

تفسيره لسانه في الترمذ

۱۰۰

وضعت في الخزانة

Handwritten text in Devanagari script, likely a continuation of the previous page.

7

من الكرام والرفيع من سائر التبع والوهم من الحق رتبة ومرتبة
الشهرة والقدرة والرفعة والفرق والفرق والوهم والوهم والوهم
اللعيلة والاسما والاولية العلية من العيين الحق والاشياء
بسم الله رب العالمين بسم الله عالم السر والنجى بسم الله الاعلى
الله العبرى في سر اوق علم الله في حجب حكوت الله الذى يحيى بالآلة
وبها رفعت السموات وباسماء الله التى افاضت بها الشمس والارض
والعرش من سائر ما ذكرت وما لم ذكر وما علمت وما لم اعلم ونعت
سائر العيون والسموات والارض والخلق والخلق والخلق والخلق
بما هو له وقوة الالهة العظمى العظمى العظمى العظمى العظمى
قلنا ما تشكرون

من الكرام والرفيع من سائر التبع والوهم من الحق رتبة ومرتبة
الشهرة والقدرة والرفعة والفرق والفرق والوهم والوهم والوهم
اللعيلة والاسما والاولية العلية من العيين الحق والاشياء
بسم الله رب العالمين بسم الله عالم السر والنجى بسم الله الاعلى
الله العبرى في سر اوق علم الله في حجب حكوت الله الذى يحيى بالآلة
وبها رفعت السموات وباسماء الله التى افاضت بها الشمس والارض
والعرش من سائر ما ذكرت وما لم ذكر وما علمت وما لم اعلم ونعت
سائر العيون والسموات والارض والخلق والخلق والخلق والخلق
بما هو له وقوة الالهة العظمى العظمى العظمى العظمى العظمى
قلنا ما تشكرون



و اعلم ان يوم الجمعة قال الله تعالى يا ايها الذين آمنوا اذا تودعوا صلوا
على يوم الجمعة سوا الا ذكر الله وذكر السبع ذلكم خير لكم ان كنتم تعلمون
وقال رسول الله صلى الله عليه وآله يوم الجمعة شهادتنا يوم ايضا فيه خمس
ترفع فيه الدرجات ويستجاب فيه الدعوات ويكفّر فيه الذنوب والخطايا في يوم
العظام وهو يوم الميزان فيه عقاب وطلاق وحرمان رما دعاية احد من الناس
وعرف حق وحرمة الاكابر حق على الله تعالى ان يجعل من عتقه وطلاق
من الناس رفقا مات في يومه اول ليلة مات شهيدا وبعث الله ما استخف
احد بحرمته وضيع حقه والا كان حقا على الله تعالى ان يصلي في يومه ان
قال امير المؤمنين عليه السلام ما من يوم يمر على ابن آدم الا قال ان يوم
جديد وان عليه شهيد فقل في خير او اعمل في غير الشهادة في يوم القبر فانك
لن ترانه بعد ابد او قيل ان كل ساعة تحمل شاة الف امرأة وتضع
الف على وتموت شاة الف مولود وتل في شاة الف عزرة وتولد
الف ذليل وشماتة الف عتيق

ووشش وازيد پنج و شش ماه
در اول و انتفاخ کنند در روز
سبعين ان يك بريد از مرگ اول
يكسايين كردن من نماز اول
هر يك بريد و هم كه خفيف كنند
نوبت بريد ان نماز اول كه در روز
ان در روز چهارم كه در روز اول
نوبت بريد ان نماز اول كه در روز

و اعلم ان يوم الجمعة قال الله تعالى يا ايها الذين آمنوا اذا تودعوا صلوا
على يوم الجمعة سوا الا ذكر الله وذكر السبع ذلكم خير لكم ان كنتم تعلمون
وقال رسول الله صلى الله عليه وآله يوم الجمعة شهادتنا يوم ايضا فيه خمس
ترفع فيه الدرجات ويستجاب فيه الدعوات ويكفّر فيه الذنوب والخطايا في يوم
العظام وهو يوم الميزان فيه عقاب وطلاق وحرمان رما دعاية احد من الناس
وعرف حق وحرمة الاكابر حق على الله تعالى ان يجعل من عتقه وطلاق
من الناس رفقا مات في يومه اول ليلة مات شهيدا وبعث الله ما استخف
احد بحرمته وضيع حقه والا كان حقا على الله تعالى ان يصلي في يومه ان
قال امير المؤمنين عليه السلام ما من يوم يمر على ابن آدم الا قال ان يوم
جديد وان عليه شهيد فقل في خير او اعمل في غير الشهادة في يوم القبر فانك
لن ترانه بعد ابد او قيل ان كل ساعة تحمل شاة الف امرأة وتضع
الف على وتموت شاة الف مولود وتل في شاة الف عزرة وتولد
الف ذليل وشماتة الف عتيق

ووشش وازيد پنج و شش ماه
در اول و انتفاخ کنند در روز
سبعين ان يك بريد از مرگ اول
يكسايين كردن من نماز اول
هر يك بريد و هم كه خفيف كنند
نوبت بريد ان نماز اول كه در روز
ان در روز چهارم كه در روز اول
نوبت بريد ان نماز اول كه در روز

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله الذي جعل القرآن
معلمًا للناس ولما فيه
من النور والهدى
والنور والهدى
والنور والهدى

قلندری صاحب حق تعالی و ملائی صاحب حق تعالی

Handwritten text in Arabic script, likely a continuation of the manuscript's content, featuring dense cursive script and some marginalia.

فصل فی تحقیق خطا لسان الهندی چون در خند بایستد
 نام و خلوا چه بخت و حال تو وین زبان پر در سر حال تو
 کوش بکشت از بند از قبال دهفته هفت ماه و سال سال
 ممت غارت کن که در یک گشت بدو ز نار این کجی الفت
 ای خوش که وقت در کجی بستل در یاد حق لایموت
 خاموش بند مقال اهل حال که بجا بند کرب لال
 روشن خاموش چنان ای که در اموت شود لطف و
 چند این ناک به فرغ باز بپای دروغ اندر دروغ
 داران خود ازین هم صحبتان جمله متا بند دین و کسان
 صحبت نیکان از بند باری از هم صحبتان بپای
 فصل فی تحقیق لفظ الکین و هومن زمره الکین
 این و خلوا چه این عال و جبهه بین ردای مثال تو
 این مقام فقر و رشید اقتباس کی شود حاصل کسی بیک
 زمین رد و جبهات ای که در داند این دو بیت مشهور آید

فصل

فصل فی تحقیق خطا لسان الهندی چون در خند بایستد
 نام و خلوا چه بخت و حال تو وین زبان پر در سر حال تو
 کوش بکشت از بند از قبال دهفته هفت ماه و سال سال
 ممت غارت کن که در یک گشت بدو ز نار این کجی الفت
 ای خوش که وقت در کجی بستل در یاد حق لایموت
 خاموش بند مقال اهل حال که بجا بند کرب لال
 روشن خاموش چنان ای که در اموت شود لطف و
 چند این ناک به فرغ باز بپای دروغ اندر دروغ
 داران خود ازین هم صحبتان جمله متا بند دین و کسان
 صحبت نیکان از بند باری از هم صحبتان بپای
 فصل فی تحقیق لفظ الکین و هومن زمره الکین
 این و خلوا چه این عال و جبهه بین ردای مثال تو
 این مقام فقر و رشید اقتباس کی شود حاصل کسی بیک
 زمین رد و جبهات ای که در داند این دو بیت مشهور آید

بجای

خدا سوخته چون بخان ومان از دم ناکه در آید بجای
لب کران از رخ برافکنده و لقب کاملی بر سر انداخته
و در خفا کار عالم ساخته گفت ای سلیمان ای عزیز من
وای به کش عاشق مفتون چه کیف حال القبطه دارم از ان
گفتش از حال لا بدی بگیدم که نیست بر دین من
رفت و بنور عقل و دین من گفتش که نصیب ای کمال
خرام گفت نصف لقیل لکن فی المنام فعل فی المنام
و التمام فی صرف العرفه لا یفیع فی القیمة فی قول
البقی صلی الله علیه و آله وسلم المؤمن شفاء
نه معرفت الهی فی قیل و قال یاندی تم نه صاف لیل
و تحقیق ملک المدام السلیل انما تمز الی آخر السلیل
تا تمامها من المظالمات و عی و تا و کشفها با آفتاب
صاف وقت العین الا انها تا من غیر عی تا تمام
قسم از حق بها رسم الموم ان عی ضاع فی علم الموم
علم در هر رقیست و قال تا از کیفیت حاصل حال

مجموعه

طبع را از هر که خفته ام لایق با در نه از این کلام
هم بود و در علم عالمی مابق نبی و عیسی و محمد
نور من لم یبقی و لیس من قرتو الرحمن انیس و الرحمن
یعنی ای کمال که در حق یار بهر او با لایق انیس و یار
سید عالمی زمره خدایان که از انبیا بود و بر استخوان
دل که در حق منزه علی که در ملک استیغنی از عیسی و یار
و این عالم و این خدایان فضا لیسطان بود و این کمال
تو بر علم حق از دین من ملک استیغنی از عیسی و یار
سرم به دست دانا و دانا علی سکنت استیغنی از عیسی و یار
یعنی دل از خدایان بود که ای حدیث و دین من سکنت استیغنی از عیسی و یار
جبهه و جبهه از ملک یمنه تا حکمت ایا نیا تراجم به ان
الی سنه و کن به و از جبهه سید و کماله لیس و یار
حد و حد لیس و دین من سور و من را شکست عیسی
سور را لیس و یار بوسی که لیس و یار حق متعصب
گرسن پرده که از عیسی و یار منی بیخ و دین من و این کمال

کتابی 72

نمودن بیفتد شغل کدام
فلسفه بخوبی طلب نمود
از این مکرر در فکر گرفتار
سینه خود را بر صد چنگ بست
بدون دلی و در دل از درد
اتهام انهم الذی فی الدرس
نظر کم آن کسان فی خیر لیب
فانظر ایا فیه من لوح الفواد
دل کسودستنی شایر
بیا بیا بجز از روی کرم
تا کند سخن برده سینه را
فضل فی قطع العناق و الزلات
بر کرا و نسق من اند لیل
خوش اند و عزالت آمد ای طلال
و بکس از این دولت بدر

علم خواهی گشت ای در تمام
هند سه یار مل با اعدا نمود
کر و دل که تو صد خنده ساز
دل از آن آلوده کیمیا که کند
و به جو خوش میگفت از روی
کلی ستمش و سوسه
مالکم فی التک و الاغری غضب
کل علم لیسین سخن فی اللام
اسم او از لوح دست بوی
بر میای ریز از جام قدم
هم بکیم با رجب یار را
عزالت سخن المذاریع و التلی
عزالتی بگریه و سرت از کالی
توبه کوئی ز اخلاط پیکار
چند کردی جوی کدایی و

کند و

کرده بر نفس منوایی مان
از حقیقت بر تو بگید دریا
کر تو را این قدرت و بنا و این
کنج خواهی کنج عزالت کن تمام
چون یک صد از هر سو
بسم عظم جوی کس نشاند دل
تا تو نیز از خلق بینا می
رو به عزالت آور ای فرزاده
عزالت کنج مقصد ای ننی
عزالت بی عین علم آن تو
زنده و علم از جمیع شود بهم
ز بهر جو بود از امر بر خیز
چو چو بود از امر به بنامت
این کیمیا از دست بر نگیرد
نشدید است از این علم

رو نهادی کجول بی زبانه
زین مخازی حرمای که کجول
عند ای از تو عالم کزین
و ستر دستخفاق من کلام
لاجرم از بی نامر تو ز سله
سروری بر کل اسطی به سلس
لبنه القدر و اسیم طی
و ز جعبه ماسوی اسه بایر تو
لیک اگر از بهر علم کزین
و در روی زای ز بهر آن
کی توان زده و در عزالت تمام
جود او را و اول با نیت
ز کت کرا این ز دل نیت
نوت و شیت و در دست
آقا بکس تو زران کجول

سایه

سینه را از خوف علم ابا بکن
 فصل فی ذم العلماء المشبهین والعلماء المستغنیین عن البر والفقر
 علم برب از خوف به ای سیر
 مولوی را امت و ایم از بختان
 نقص عفت ای جبار بکون
 قائم دفر جبهه و سر خجسته بکن
 خود به اخصاف ای صاحب کمال
 ای علم افزا کشته در علم دین
 جبهه مال بسنه ناک ری بکف
 عاقبت سازه ترا از دین بری
 لقمه کایه او ظنون مرلسته
 کان ترا در راه دین بکن
 لقمه ای که بکشد سینه ناک
 که بدست خود فلانی ختم آن
 و درم بود در حصا دین بکن

در باب

و در باب زینت کلاه و رخسار
 و در بخت اندر رخسارش سینه
 و در بهی از رخ طویلی پیش
 و در لوبه خواندی هزاران سیم
 عاقبت خفتن ظاهر شود
 در ده طاعت تر بجان کند
 در درونت کلاه وای در
 از بوس کند و در بکون کفر و کین
 که نباشد جامه طس ترا
 و در نظر منور بافته و
 و در بنای منور به از بنای
 و در بنای درین لک
 و در بنای در باین از باین
 و در بنای خانه های زرنگار
 و در بنای زینت ابرو طراز
 بر آیین سبک را ز جود عین
 فاخته بقیل هو الله است
 و در لای روح الامین از بکن
 بر سر آن لقمه بر و سوس
 نفس از آن لقمه زرقا بر شود
 خانه دین ترا ویران کند
 چاره خود کنی که کشته نیست بناد
 چاره امان و نجات از بکن
 کشته دلقی ستر تن بکن ترا
 خوش بود و دغ و سپاه و جنگ
 با کفحه و میوه ای حوز و آب
 میتوان زد بهم با خوشی کام
 و در باین لغت خلق از بکن
 میتوان برون سیر و گنج
 با صیر کینه مسجد

سبک

[illegible]

